

امانا" دست به اقدام زدند و موفق شدند شرکتهای و تأسیسات بهائیه را به ثبت برسانند. چنانچه تا امروز به موجب ادعایی که در تقویم سال ۱۳۳۶ بدیع بهائیه (۱۳۴۸ش - ۱۹۶۹ م) شده هشتاد و یک "شرکت سهامی" متعلق به محفل ملی بهائیه در سرتاسر جهان به ثبت رسیده است. البته این محافل فقط در پنجاه و هفت کشور از طرف دولتها به رسمیت شناخته شده‌اند، زیرا سایر دولتها "بهائیت" را بعنوان یک مذهب نپذیرفته‌اند.

تأسیس و تشکیل شرکت امانا در ایران

گفتیم که "بهائیت" در ایران - مرکز اصلی پیدایش - هیچگاه از جانب دولتها به رسمیت شناخته نشده و اجازه فعالیت علنی به پیروان آن داده نشده است.

بدین سبب هرگونه اقدامی نیز که از طرف محافل مرکزی بهائیان ایران و یا محافل مختلف انجام می‌گیرد، به رسمیت شناخته نمی‌شود. نخستین باری که بهائیان ایران موفق شدند، در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸ م) بود. در آن سال "شرکت سهامی امانا" به منظور انجام "هرگونه عملیات عمرانی" با سرمایه ظاهری سی میلیون ریال در اداره ثبت شرکتهای به ثبت رسید. (۱) این شرکت که سه هزار سهم ده هزار ریالی داشت فقط "سه سهم آن با نام" و بقیه "سهام بی‌نام" و متعلق به محفل مرکزی بهائیان ایران بود. در تقاضای ثبت شرکت مذکور گفته شده بود که:

"... یک ثلث بهای اسمی آن نقدا پرداخت شده و طبق اظهاردر تحویل و اختیار مدیران شرکت می‌باشد و بقیه تعهدی است از تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۳۷ به مدت نامحدود".

این شرکت در روز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۳۷ در دفتر ثبت شرکتهای داخلی به شماره ۶۰۸۸ به ثبت رسیده و هیئت مدیره آن به این شرح معرفی شدند:

- ۱ - سرلشکر بازنشسته شعاع الله علائی ، رئیس هیئت مدیره ،
- ۲ - هادی رحمانی ، مدیر عامل ،
- ۳ و ۴ - ذکراالله خادم نه و عباسقلی شاهقلی ، عضو هیئت مدیره ،

"شرکت امناء" متعلق به بهائیان ایران در محل خریداری شده ، واقع در خیابان اریاب جمشید ، ساختمان نونهالان^(۱) شروع به کار کرد ، و در مدت بسیار کوتاهی صاحب چندین میلیون تومان سرمایه و دارایی شد . این شرکت خیلی زود توانست چندین صد میلیون تومان املاک و دارایی گرد آورد و حتی تعداد سهام را از سه هزار به پانزده هزار سهم بالا ببرد . صورت مجلس مجمع عمومی سال ۱۳۴۶ شرکت که عیناً نقل می شود ، نمودار جانشینی این شرکت به "محل مرکزی بهائیان ایران" است :

مجمع عمومی عادی شرکت سهامی امناء که به موجب آگهی دعوت منتشره ، در روزنامه کیهان ، شماره ۷۱۴۶ مورخه ۴۶/۳/۱۳ روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی شماره ۶۴۹۶ مورخه ۴۶/۳/۲۵ ساعت ۶ بعد از ظهر سه شنبه ۳۰ خردادماه ۴۶ در محل شرکت واقع در خیابان منوچهری کوچه اریاب جمشید شماره ۳۷ با حضور کلیه سهامداران یا نمایندگان آنها به ترتیب ذیل :

۱ - این ساختمان را بازماندگان اریاب جمشید زردشتی به محل بهائیان فروختند . بیشتر بهائیان ایران یهودیان و زردشتیان هستند و مسلمانانی که به این فرقه گرویده اند ، در اقلیت می باشند . اکنون سالهاست که کمتر شده مسلمانانی به آنها پیوسته باشد ، بخصوص مسلمانانی که اگرچه عامی اما اندک آگاهی داشته باشد .

۱۰۷۶	۱ - هادی رحمانی شیرازی
" ۱۰۵۴	۲ - منوهر قائم مقامی
" ۱۰۳۰	۳ - مهندس عبدالحسین تسلیمی
" ۹۶۲	۴ - عنایت‌اله عزیزی
" ۹۸۸	۵ - روح‌اله فتح اعظم
" ۸۷۵	۶ - دکتر ریاض قدیمی
" ۶۴۹	۷ - موسی مستقیم
" ۶۳۶	۸ - دکتر عزت‌اله عزیزی
" ۶۴۳	۹ - موسی رستگار
" ۷۶۴	۱۰ - مسعود خمسی
" ۶۹۵	۱۱ - امیر عزیزی
" ۷۶۰	۱۲ - فتح‌اله فردوسی
" ۸۳۶	۱۳ - دکتر مهدی ورقا
" ۶۱۸	۱۴ - هدایت‌اله رحیمی
" ۶۵۳	۱۵ - دکتر حسین نجمی
" ۵۲۹	۱۶ - جلال صحیحی
" ۸۷۵	۱۷ - امیرج ثابت
" ۷۳۷	۱۸ - امیر علائی
" ۶۳۰	۱۹ - حسن خواجه نصیری

جمع ۱۵۰۰۰ سهم

تشکیل و چون حاضرین در جلسه حائز اکثریت کامل بودند، جلسه رسمی و برای انتخاب رئیس و منشی مجمع اقدام و در نتیجه مهندس عبدالحسین تسلیمی (۱) به سمت

۱ - خانواده "تسلیمی" اکثر بهائی هستند، شایعه بهائی بودن "منوچهر تسلیمی" وزیر بازرگانی دولت هویدا نیز دهان‌بدهان نقل می‌شود، بهائیان می‌گویند "وارد سیاست نمی‌شویم"؟!

رئیس و فتح‌الله فردوسی به سمت منشی جمع انتخاب و سپس در خصوص دستور جلسه مذاکره شد:

۱ - سرتیب عطاءالله مقربی (۱) عضو هیئت مدیره گزارش جامعی از عملیات و اقدامات شرکت بیان و بیلان سال ۱۳۴۵ را به اطلاع سهامداران رسانید.

۲ - عنایت‌الله عزیزی و فتح‌الله فردوسی بازرسان قانونی شرکت گزارش خود را که حاکی از تأیید بیلان بود قرائت نمودند.

۳ - بیلان سال ۱۳۴۵ شرکت با اتفاق آراء تصویب شد.

۴ - برای انتخاب بازرسان شرکت در سال ۱۳۴۶ اقدام به اخذ رأی گردید. منتخبا عنایت‌الله عزیزی و عنایت‌الله بستانی برای مدت یکسال به سمت بازرسان قانونی شرکت انتخاب گردیدند.

۵ - چون دوره چهار ساله اختیارات هیئت مدیره پایان یافته بود، لذا برای انتخاب اعضاء اصلی هیئت مدیره و اعضاء علی‌البدل اقدام به اخذ رأی گردید و بالنتیجه:

۱ - سرلشکر شعاع‌الله علائی.

۲ - دکتر علیمحمد ورقا.

۳ - سرتیب عطاءالله مقربی.

۴ - طرازالله هوشمند.

۵ - عطاءالله قدیمی.

بسمت اعضاء اصلی هیئت مدیره و افراد ذیل:

۱ - هادی رحمانی شیرازی.

۱ - از این خانواده است سرتیب مقربی جاسوس شوروی که در سال ۱۳۵۷ اعدام شد. این بهائی نه تنها وارد سیاست شد بلکه جاسوس هم از آب درآمد.

۲- روح الله فتح اعظم .

۳- مهندس عبدالحسین تسلیمی .

به سمت اعضاء علی البدل هیئت مدیره برای مدت چهار سال از تاریخ مذکور انتخاب گردیدند . در پایان مهندس عبدالحسین تسلیمی رئیس مجمع از زحمات اعضاء هیئت مدیره و مدیر عامل و بازرسان و کارکنان شرکت و همچنین تشریک صاعی کلیه سهامداران قدردانی و تشکر نمودند. (۱) و جلسه در ساعت ۹ بعد از ظهر خاتمه یافت .

محل امضاء بیست و سه نفر از سهامداران .

جالب اینکه تشکیل این شرکت ، آتش اختلافات و انشعاب را در میان بهائیان دامن زد ، زیرا با توجه به سرمایه کلانی که گرد آمده بود ، طبعاً سوء ظن مخالفان نیز افزایش یافت ، تا آنجا که گروهی ، گروه دیگر را به کلاهبرداری ، تدلیس و سندسازی متهم کرد .

اساسنامه شرکت سهامی امان . . .

می دانیم که در دنیای امروز ثروتهای جهان به نحو شگفت آوری از نظر

۱- با اینکه این شرکت غیرقانونی میلیون ها و میلیون ها تومان دارائی و سرمایه دارد و سالانه نیز بیش از چهار صد میلیون تومان سود خالص برداشت می کند (ترازنامه سال ۱۳۵۵ شرکت امان) ، با این حال کارمندان فاسد و رشوه خوار دولت در اداره کل مالیات بر درآمد تهران با گرفتن مبالغ قابل توجهی "حق و حساب" و "یاج" مالیات بر درآمد این شرکت را مبلغ ناچیزی تعیین کرده اند . بهترین مدرک ادعای ما دفاتر شرکت امان و پرونده مالیاتی بهائیان در اداره کل مالیات بر شرکت هاست . اگر روزی دولتی بر سر کار آمد که خواست از دزدی و کلاهبرداری شرکت ها و وصول مالیات حقه دولت اقدام کند ، شاید موفق به وصول مالیات از شرکت امان بشود .

عدم تعادل بین دو گروه تقسیم شده است. گروه اول یعنی اقلیت انگشت - شماری که همه ثروتها را در اختیار خود دارند، و گروه دوم اکثریت عظیمی که از هرگونه ثروت و سرمایه‌های محروم مانده‌اند، حال آنکه قوانین اولیه طبیعت حکم می‌کنند که آنچه را خداوند از راه طبیعت در اختیار آدمیان نهاده است، به نسبتی متعادل بین همگان تقسیم شود و هر انسان آزادی امکان استفاده از حد اقل امکانات زیست را داشته باشد.

با این وصف، هنوز در ایران بخش عظیمی از ثروتها و درآمدهای ملی در انحصار و اختیار گروهی ضد ملی قرار دارد. و این گروه با سوء استفاده از گریزگاههای قانونی و در پاره‌ای موارد با تهدید و تطمیع، تصاحب و حیف و میل سرمایه‌های مملکت را ادامه می‌دهند.

بهائیت که در سالهای نخستین - یعنی پس از ظهور و ادعای میرزا علی محمد باب - ادعا داشت یک مسلک دینی است، پس از کشته شدن او و تقسیم بایبان به دو گروه ازلی، بهائی متکی بر ثروت و سرمایه شد. بدین معنی که رهبران گروه هم از نظر بهره‌برداری فردی و هم به خاطر تطمیع و جذب افراد جدید پول و ثروت را استوارترین پشتوانه کار خویش می‌دانستند، و در حقیقت این نظر آنان چندان هم دور از واقعیت نبود، چرا که در زمان ما که همه چیز حتی وجدان و آیین افراد را می‌توان با پول خرید ثروت ارزنده‌ترین و برنده‌ترین سلاح هر گروه و دسته‌ای است.

به همین دلیل از آغاز کار بهائیت گروه کثیری از افراد معتقد و متعین این گروه ثروت (و اغلب میراث) خود را در اختیار رهبران قرار می‌دادند تا به نحو دلخواه آنان مورد استفاده واقع شود. اما در این میان مشکل بزرگی - بویژه در ایران - وجود داشت و آن اینکه چون بهائیکری در ایران رسمیت نداشت، این امکان نیز موجود نبود تا به صورتی شبیه "وقف" اسلامی سرمایه‌ها و به اصطلاح موقوفه‌های خود را در اختیار مراجع مورد نظر قرار دهند.

پس از اینکه برای اولین بار در امریکا شرکت خاصی به نام بهائیان

و برای حفظ موقوفات و ثروت‌های بخشوده شده به ثبت رسید، - به طوریکه در همین بخش خواندیم - در ایران نیز بهائیان به فکر افتادند تا این طرح را به نحوی دیگر پیاده کنند. بدین معنی که نام "شرکت تجارتي" روی آن بگذارند، تا هم مرجعی باشد برای پرداخت پولها، و بخشیدن املاک و میراثها و هم معری برای درآمد که روز بروز بر سرمایه آن افزوده می شود.

از سوی دیگر، با اجرای این طرح خریداران سهام هریک به سهم خود در سود و زیان شرکت (یا بهتر گوییم در سود و زیان بهائیت) شریک و سهیم می بودند، و ضمناً با دلسوزی بیشتری به تبلیغ آیین (یا کار تجارتي) خود ادامه می دادند.

با این مقدمات بود که شرکت سهامی اماناء در ایران تشکیل شد و به ثبت رسید. متن اساسنامه شرکت چنین است که عیناً در اینجا آورده می شود:

اساسنامه شرکت سهامی اماناء

فصل اول - کلیات - ماده اول - نام شرکت - شرکت سهامی اماناء
 ماده دوم - موضوع شرکت - انجام هرگونه عملیات عمرانی - ماده سوم -
 نوع شرکت - سهامی است - ماده چهارم - تابعیت شرکت - ایران - ماده
 پنجم - مرکز اصلی شرکت - تهران خیابان امیرآباد جنوبی خیابان نصرت
 شماره ۱۷۵ - ولدی الاقتضاء شعبات آن در هر محل دیگری که هیئت مدیره
 صلاح بداند تشکیل خواهد شد - ماده ششم - مدت شرکت نامحدود است -
 ماده هفتم - سرمایه شرکت مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال منقسم به یازده
 هزار ریالی بی نام تمام پرداخت تقسیم گردیده و صاحبان سهام کسانی
 شناخته می شوند که سهام در پد آنان باشد و برای انتقال سهام نیازی به
 هیچگونه ظهر نویسی نخواهند بود - ماده هشتم - مسئولیت صاحبان سهام

محدود به سهام آنها است. ماده نهم سهام شرکت باید دارای شماره ردیف و ممضی با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از مدیران عامل و رئیس محاسبات و مهور به مهر شرکت باشد. ماده دهم هر یک از اوراق سهام دارای ده کوپن بوده و هر کوپن صرف منافع یکساله آن سهم است و در انقضاء مدت ده سال ده کوپن جدید که دارای شماره همان ورقه سهم باشد بدارنده سهم برای مدت ده سال دیگر داده خواهد شد و بهمین ترتیب در انتقضای هر ده سال عمل خواهد شد. ماده یازدهم هر یک از سهم غیر قابل تقسیم است و شرکت بیش از یک نفر را که سهم درید او است مالک نخواهند شناخت.

— صفحه دوم — فصل دوم — هیئت‌های اداری شرکت — ماده دوازدهم — هیئت‌های اداری شرکت عبارتند از (۱) مجمع عمومی صاحبان سهام — (۲) هیئت مدیره، (۳) بازرسان شرکت — الف مجمع عمومی — ماده سیزدهم مجمع عمومی شرکت بر دو قسم است — عادی و فوق‌العاده ماده چهاردهم مجمع عمومی عادی برای شور و اتخاذ تصمیم در امور جاری و عادی شرکت تشکیل می‌گردد و مجمع عمومی فوق‌العاده برای تغییر دادن مواد اساسنامه و یا اضافه نمودن سرمایه و یا انحلال شرکت انعقاد می‌یابد. ماده پانزدهم — دعوت مجمع عمومی بوسیله انتشار آگهی در یکی از جرائد کثیرالانتشار بعمل می‌آید و در آگهی مزبور دستور مجمع عمومی و محل تشکیل و روز و ساعت انعقاد جلسه تعیین می‌شود. ماده شانزدهم در صورت تقاضای کتبی بازرسان و یا صاحبان سهامی که لااقل دارای یک پنجم سرمایه شرکت باشند با تعیین موضوع — مجمع عادی بطور فوق‌العاده و یا مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل خواهد شد و هیئت مدیره در این صورت مکلف است ظرف ده روز از تاریخ وصول تقاضای مجمع عمومی را با توجه بماده ۱۵ اساسنامه دعوت نماید و در صورت تأخیر بازرسان یا بازرسان شرکت حق دارند مستقیماً به دعوت مجمع عمومی مبادرت نمایند و در هر حال انعقاد مجمع عمومی نباید دیرتر از یکماه پس از تاریخ اولین آگهی بعمل آید آگهی مزبور ظرف ده روز در دو نوبت انتشار خواهد یافت مواد ۴۵ و ۴۴ قانون تجارت و ماده ۲۷

اساسنامه حاضر در موارد مربوطه رعایت خواهد شد. صفحه سوم - ماده هفدهم در موقع تشکیل مجمع عمومی صاحبان سهامی که در جلسه مجمع عمومی حضور بهم خواهند رسانید باید سه روز قبل از تشکیل جلسه با ارائه سهام خود به مدیر عامل شرکت ورقه ورودیه که در آن تمدید سهام صاحب سهم قید و بامضای مدیر عامل میرسد دریافت دارند و در این حال دارندگان سهام حق حضور در مجمع عمومی را داشته و بتعداد سهامی بر طبق ورقه ورودیه مالک هستند حق رأی خواهند داشت - ماده هیجدهم رئیس یا نائب رئیس هیئت مدیره مجمع عمومی را افتتاح مینماید و مجمع یکنفر رئیس و یک نفر منشی برای اداره مجمع باتفاق یا باکثرت آراء انتخاب و شروع با اجرای دستور جلسه خواهد نمود رئیس و اعضای هیئت مدیره و بازرسان را نمیتوان بسمت رئیس یا منشی مجمع عمومی انتخاب کرد - ماده نوزدهم در هر جلسه منشی مجمع عمومی خلاصه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی را در دفتر مخصوص که برای این منظور باید قبلاً تهیه شده باشد نوشته و بامضاء رئیس مجمع و یکی از بازرسان میرساند و این دفتر در مرکز شرکت نگاهداری خواهد شد - ماده بیستم کلیه تصمیمات مجمع عمومی باکثرت نصف بعلاوه یک رأی از آراء صاحبان سهام حاضر اتخاذ خواهد شد - ماده بیست و یکم موضوعی را که قبلاً ضمن دستور جلسه آگهی نشده نمیتوان در مجمع عمومی مطرح نمود - ماده بیست و دوم صاحبان سهام غائب میتوانند بصاحب سهم دیگری از شرکا، شرکت برای حضور در مجمع عمومی وکالت دهند و در این حال تسلیم وکالتنامه رسمی یا وکالتنامه‌ای که امضای صاحب سهم گواهی شده باشد ضروری است و در این صورت رعایت ماده ۱۷ این اساسنامه نیز لازم الرعایه خواهد بود ماده بیست و سوم - مجامع عمومی شرکت که مطابق این اساسنامه تشکیل میشود ناعینده قانونی کلیه صاحبان سهام بوده و تصمیمات مجامع مذکور که در حدود مقررات این اساسنامه اتخاذ میشود درباره کلیه صاحبان سهام اعم از حاضر و غائب و حتی درباره شرکائی که مخالف آن تصمیمات بوده باشند نافذ و معتبر است

— ماده بیست و چهارم اخذ رأی در مجمع عمومی علنی است — ماده بیست و پنجم اعضاء هیئت مدیره و بازرسان در مسائلی که راجع بشخص آنها است حق رأی ندارند — ماده بیست و ششم مجمع عمومی عادی سالیانه در هر سال منتها تا آخر خرداد ماه تشکیل خواهد شد — ماده بیست و هفتم مجمع عمومی عادی وقتی رسمیت دارد که عده حاضر در مجمع لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در جلسه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی برای ۱۵ روز دیگر مجدداً بوسیله آگهی دعوت میشود و این آگهی باید تا پنج روز بعد از جلسه اول منتشر گردد مجمع دوم ولو حد نصاب فوق حاصل نشود دارای رسمیت بوده و فقط حق شور و رأی در مسائلی دارد که جز دستور مجمع اول بوده است تصمیمات این مجمع قاطع خواهد بود — ماده بیست و هشتم وظائف مجمع عمومی بقرار ذیل است — ۱- رسیدگی بگزارش هیئت مدیره و بازرسان راجع بعملیات محاسبات سالیانه و اوضاع مالی شرکت و تصویب ترازنامه — ۲- انتخاب بازرسان و هیئت مدیره و اعضاء علی البدل — ۳- شور و اخذ تصمیم در پیشنهاداتی که هیئت مدیره و بازرسان راجع بخط مشی سال بعد نموده اند — ۴- بحث و تصمیم در مسائلی که در دستور جلسه گذارده شده — مجمع عمومی برای رسیدگی بآن مسائل صلاحیت دارد — ۵- تعیین و تصویب حقوق هیئت مدیره بازرسان — ۶- تصدیق بیلان شرکت و طرز تقسیم سود صاحبان سهام — ۷- تصویب بودجه سال بعد مجمع عمومی فوق العاده — ماده بیست و نهم مجمع عمومی فوق العاده که طبق ماده ۷۴ قانون تجارت تشکیل شده باشد میتواند راجع بموضوعات ذیل اتخاذ تصمیم نماید — ۱- ازدیاد سرمایه — ۲- تغییر مواد اساسنامه — ۳- شور و اتخاذ تصمیم درباره ابقاء یا انحلال شرکت — ماده سی ام — شرایط حضور در مجمع عمومی فوق العاده همانست که در ماده ۱۷ این اساسنامه تصریح شده است — ب- هیئت مدیره شرکت — ماده سی و یکم — هیئت مدیره تشکیل میگردد از پنج نفر اعضاء علی البدل که باکثریت آراء مجمع برای مدت چهار سال انتخاب میگردند — ماده سی و دوم — چنانچه هریک از

اعضاء هیئت مدیره برای مدت سه ماه بدون اجازه غیبت نماید همچنین در صورت استعفاء یا فوت هر یک از اعضا هیئت مدیره باید در مدت یکماه عضو علی‌البدلی را که در موقع انتخاب رأی بیشتری داشته به جانشینی عضو اصلی مذکور دعوت نماید و - چنانچه اعضا علی‌البدل دارای رأی مساوی باشند حق تقدم در شرکت در جلسات هیئت مدیره با عضو علی‌البدلی است که سن او بیشتر از سایر اعضا علی‌البدل باشد و در این حال مدت مأموریت عضو علی‌البدل محدود به بقیه مدت دوره انتخابی هیئت مدیره خواهد بود - ماده سی و سوم هر یک از اعضا هیئت مدیره باید در مدت تصدی خود تضمین کتبی که مورد قبول هیئت مدیره باشد معادل دو سهم بصندوق شرکت بسپارد و این تضمین وثیقه خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری هیئت مدیره یا یکی از افراد آن بشرکت وارد شود. ماده سی و چهارم - جلسات هیئت مدیره هفته‌ای یکبار منعقد میگردد و انعقاد جلسات فوق‌العاده موکول بدعوت رئیس هیئت مدیره و یا مدیر عامل شرکت میباشد و رسمیت جلسه منوط بحضور اکثریت اعضا خواهد بود و اخذ تصمیمات باکثریت آراء بعمل خواهد آمد - ماده سی و پنجم - انعقاد جلسات هیئت مدیره و تصمیمات هر جلسه باید در دفتر مخصوص ثبت شده و بامضای رئیس هیئت مدیره و منشی هیئت برسد و در مرکز شرکت بایگانی گردد - ماده سی و ششم - هیئت مدیره نماینده قانونی شرکت بوده و بدون اجازه مخصوص میتواند در تمام امور شرکت مداخله و اقدام نماید خصوصا در موارد مشروحه ذیل الف - انجام تشریفات قانونی در مورد مربوطه بشرکت بلااستثناء - ب - اداره امور شرکت از هر قبیل - ج - حفظ اموال و تنظیم فهرست دارایی شرکت اعم از منقول و غیر منقول - د - تنظیم بودجه و تعیین حقوق و پاداش کارمندان و پرداخت هزینه‌های دیگر - ه - رسیدگی بمحاسبات شرکت - و - پیشنهاد سود قابل تقسیم سالیانه - ز - تهیه نظامنامه‌های اداری - ح - اجرای تصمیمات مجمع عمومی - ط - ادای دیون و وصول مطالبات شرکت - ی - تأسیس شعبه واگذاری نمایندگی و قبول نمایندگی و تعیین

میزان حقوق نمایندگان و حق انفصال آنان - ک - انتخاب و استخدام کارمند و کارگران برای شرکت از هر قبیل - ل - عقد هرگونه بیمان و قرارداد با بانکها و شرکتها و ادارات و اشخاص و بطور کلی کلیه شخصیتهای حقوقی و حقیقی بهریک از عقود - م - خرید و فروش، اجاره و استیجاره و انجام هرگونه معامله بنام و برای رفع حوائج شرکت - ن - استقراض یا رهن یا بدون رهن - س - تحصیل اعتبار از بانکها و از سایر مؤسسات اعم از ملی و دولتی - ع - وام دادن و وام گرفتن از بانکها و شرکتها و اشخاص و مؤسسات دولتی - ف - افتتاح حسابجاری در بانکها بنام شرکت - ض - صدور و ظهر نویسی و قبول و پرداخت بروات و سفتهها و هر نوع اوراق بهادار و نزول آنها - ق - دخالت در دعاوی اعم از اینکه شرکت مدعی باشد یا مدعی علیه در تمام مراحل دادرسی اعم از بدایت استیناف - تمیز چه در امور جزائی چه در امور حقوقی و محاکم اختصاصی و دادگاههای مال الاجارهها و کمیسیونهای ادارات مالیاتی و بطور کلی هر مرجع صلاحیتدار مملکتی اعم از اینکه در حال حاضر وجود داشته باشد یا بعدا تشکیل گردد با حق توکیل غیر خصوصا وکالت در مصالحه و تعیین وکیل سازش وکالت در ادعای جعل نسبت بسند طرف و استرداد سند وکالت در تعیین جاعل و ارجاع امر بدائوری و تعیین داور وکالت در تعیین مصدق و کارشناس و وکالت در اقرار بنحوی که قاطع دعوی باشد و وکالت در دعوی خسارت و مطالبه و دریافت آن و وکالت در استرداد دعوی و جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث و وکالت در دعوی متقابل و دفاع از آن و حق صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرائی و توقیف اموال و شخص مدیونین و اخذ محکوم به و خسارات و بالاخره هرگونه اقدامی را که هیئت مدیره صلاح و مقتضی بداند در اختیارات هیئت مدیره خواهد بود و میتواند برای انجام امور مزبور وکیل یا وکلاء یا تفویض حق توکیل بکرات انتخاب نماید هیئت مدیره میتواند سرمایه شرکت را تا مبلغ ۲۵۰ میلیون ریال افزایش دهد - ماده سی و هفتم - هیئت مدیره حق دارد بعسولیت خود یک یا چند نفر از اعضاء هیئت مدیره و یا اشخاص خارج را

بسمت مدیر عامل شرکت انتخاب نموده تمام یا قسمتی از اختیارات خود را بآنان تفویض نماید و نیز حق دارد هر یک از اختیارات یا تمام آنها را به هر یک از اعضاء هیئت مدیره یا بروسای دوائر شرکت یا اشخاص خارج بمسئولیت خود واگذار کند هیئت مدیره در هر حال حق وکالت در توکیل را ولو بطور مکرر دارد - ماده سی و هشتم - مسئولیت هیئت مدیره و مدیر یا مدیران عامل در حدود ماده ۵۱ قانون تجارت است - ماده سی و نهم - مسئولیت مدیران شرکت نمیتوانند بهیچوجه در معاملاتیکه با شرکت یا بحساب شرکت میشود بطور مستقیم یا غیر مستقیم سهیم شوند مگر با اجازه مجمع عمومی - ماده چهارم کلیه اسناد و مراسلات و چکها و اوراق شرکت اعم از بهادار و غیره دارای دو امضاء خواهد بود و هیئت مدیره کسانی را که از طرف شرکت حق امضاء دارند تعیین خواهد نمود - ماده چهارم و یک هیچیک از افراد هیئت مدیره منفردا حق انجام هیچ امری را بنام شرکت نخواهند داشت مگر بموجب تصویب هیئت مدیره و داشتن اختیار نامه مخصوص، ماده چهارم و دوم - هیئت مدیره در صورتیکه مقتضی بدانند از مدیران یا مدیران عامل تضمین کافی خواهد گرفت - ج - بازرسان - ماده چهارم و سوم مجمع عمومی در هر سال برای رسیدگی بمحاسبات و امور مالی شرکت دو نفر از بین خود یا خارج بسمت بازرسان انتخاب مینماید بازرسان مکلفند تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی صورت حسابها و صندوق و سرمایه و ترازنامه راجع بمحاسبات سالیانه شرکت را که از طرف هیئت مدیره تهیه میشود رسیدگی نموده گزارش خود را طبق قانون تجارت که مشتمل بر بیان اوضاع عمومی شرکت باشد کتبا در دو نسخه تهیه نموده یک نسخه آنرا به هیئت مدیره برای تهیه جواب و نسخه دیگر را بمجمع عمومی تقدیم نمایند - ماده چهارم و چهارم بازرسان برای انجام وظایف خود میتوانند همه وقت دارائی و اموال شرکت را در محل اداری شرکت بازرسی نموده و عملیاتی که در ظرف سال انجام شده و مخارجی که بعمل آمده تحت رسیدگی در آورند - مدیران عامل و اعضاء هیئت مدیره مکلفند تمام وسائل لازم را برای انجام این

منظور در دسترس بازرسان قرار دهند - فصل سوم - محاسبات سالیانه شرکت - ماده چهل و پنجم - ابتدای سال محاسباتی شرکت اول فروردین ماه و انتهای آن آخر اسفند ماه هر سال خواهد بود - ماده چهل و ششم صورت محاسبات و ترازنامه سالیانه شرکت طبق مقررات این اساسنامه بعد از آماده شدن از طرف هیئت مدیره بازرسان تحویل میگردد که رسیدگیهای لازم را معمول و نظریات خود را به هیئت مدیره تسلیم نمایند تقسیم سود - ماده چهل و هفتم از کلیه منافع سالیانه شرکت بدو مخارج اداری و انتفاعی موضوع و ۲٪ درصد از بقیه منافع سالیانه برای استهلاک مخارج تأسیس و تشکیلاتی شرکت کسر و بقیه که منافع خالص شرکت است به ترتیب ذیل تقسیم خواهد شد - ۱ - صدی ده از سود ویژه برای تشکیل سرمایه ذخیره - ۲ - صدی ده از سود ویژه بنام سرمایه احتیاطی و غیره برای جبران ضررهای احتمالی شرکت - ۳ - صدی ده از سود ویژه برای امور خیریه میشود و هیئت مدیره مجاز است این قسمت را تا میزان سی درصد بالا ببرد - ۴ - صدی پنج از سود ویژه بابت پاداش بیت هیئت مدیره و کلیه کارکنان شرکت تقسیم خواهد شد و چنانچه اکثریت هیئت مدیره تصمیم بگیرند که این قسمت پرداخت نشود سایر اعضاء هیئت مدیره و کارکنان شرکت حق مطالبه‌ای از این بابت نخواهند داشت پس از وضع ارقام فوق بقیه منافع بین دارندگان سهام تقسیم خواهد شد - ماده چهل و هشتم افزودن سرمایه احتیاطی شرکت فقط تا موقعی خواهد بود که مبلغ آن بمیزان خمس سرمایه شرکت برسد - ماده چهل و نهم افزودن سرمایه ذخیره تا وقتی که میزان آن معادل سرمایه شرکت نشده الزامی است و پس از آن موقوف بر رأی مجمع عمومی سالیانه است - ماده پنجاهم - پس از تصویب بیلان در مجمع عمومی صاحبان سهام باید پس از یکماه از تاریخ تصویب مجمع عمومی بدفتر شرکت مراجعه و سود متعارفه خود را دریافت نمایند و در غیر این صورت بر سود مزبور فرعی تعلق نخواهد گرفت - فصل چهارم انحلال شرکت - ماده پنجاه و یکم انحلال شرکت در موارد ذیل بعمل خواهد آمد - الف - در صورت

تصمیم مجمع عمومی فوق العاده - ب - در صورت ورشکستگی شرکت - ج - اگر بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین برود برحسب پیشنهاد مدیر عامل شرکت هیئت مدیره صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت مینماید که در هر موضوع انحلال یا ابقاء شرکت اتخاذ تصمیم شود در صورتیکه مجمع عمومی فوق العاده رأی بانحلال شرکت داد هیئت تصفیه‌ای مرکب از پنج نفر بطریق ذیل انتخاب خواهد شد دو نفر اعضاء هیئت مدیره یک نفر از بازرسیها دو نفر از سایر شرکتهای پنج نفر مذکور بترتیب تصفیه امور شرکت را بر طبق قوانین موضوعه خواهند داد و بعد از ختم امور تصفیه مراتب انحلال را طبق مقررات اعلام مینمایند نظریه هیئت تصفیه در کلیه امور مورد رسیدگی قطعی و برای کلیه شرکا لازم الاجرا است - فصل پنجم اختلافات ماده پنجاه و دوم هیچیک از صاحبان سهام فردا یا باتفاق دیگری یا جمعا نمیتوانند علیه هیئت مدیره یا افراد اعضاء هیئت مدیره در اموری که بنحوی از انحاء ارتباطی بوظائف آنان در اداره شرکت داشته باشد اقامه دعوی حقوقی یا جزائی بطور کلی هرگونه دعوائی بنماید مگر آنکه قبلا موضوع دعوی خود را توسط هیئت مدیره بمجمع عمومی پیشنهاد نماید در صورتیکه از طرف مجمع عمومی تصویب گردید ذیحق خواهد بود که اقامه دعوی نماید و الا حق اقدامی نداشته و دعوی او در هیچ محکمه‌ای قابل تعقیب نخواهد بود نیز از اوراق شرکت و صورت جلسه‌های مجمع عمومی حق استفاده و گرفتن رونوشت نخواهد داشت - ماده پنجاه و سوم هیچگونه دعوی مخصوصا دعوی بطلان شرکت را از طرف صاحبان سهام یا صاحب سهامی علیه هیئت مدیره یا مدیران عامل نمیتوان اقامه نمود مگر با اجازه مجمع عمومی فوق العاده - ماده پنجاه و چهارم - در سایر موضوعات و مواردیکه در این اساسنامه پیشبینی نشده طبق مقررات قانون تجارت و سایر قوانین مربوطه عمل خواهد شد -

محل مهر و امضاء - ۹ تیرماه ۱۳۴۷ "

سهم الارث - مالیات بر ارث - صحنه نامه

پرونده^۱ ۱۵۷ میلیون تومانی

چنانکه در گذشته یاد کردیم پس از فوت شوئی افندی - آخرین پیشوای بهائیت - اختلافات و کشمکشهای بسیاری بین بهائیان - مخصوصاً بهائیان ایران - بروز کرد ، یا بهتر بگوییم ، اختلافاتی که تا آن زمان در پرده مانده بود فاش و برملا شد تا آن جا که کار را به دادگاهها و محاکم صلاحیتدار قانونی کشانید .

مبارزات علنی و پنهانی که میان دادگستری ، ثبت اسناد و دارائی از یکطرف و محافل و لجنه‌های بهائیت از طرف دیگر در گرفت سبب شد تا مقامهای دولتی ایران قهراً وارد این‌گونه اختلافات داخلی آنان شوند . سرانجام نیز اداره‌کنندگان بهائیت در ایران نه فقط بر مخالفان و مطرودین ، بلکه بر سازمان‌های قانونی و دولتی ایران هم پیروز شدند تا آنجا که توانستند حتی پرونده^۲ یکصد و پنجاه و هفت میلیون تومان مالیات بر صلح را که قانوناً بایست به دولت می‌پرداختند با رأی کمیسیون تجدید نظر - مالیات بر ارث پیشکاری دارائی تهران - منتفی کردند . و با آنکه دامنه^۳ این ماجرا به صفحات مطبوعات نیز کشیده شد وزارت دارائی در مورد آن سکوت کرد و از تأیید یا تکذیب خیر منتشر شده خودداری ورزید .

اینک ، قبل از اینکه با اسناد و مدارک ، به شرح اختلافات و سوء استفاده‌های مورد بحث بپردازیم ، بد نیست مطلبی را که در همین زمینه

در مورد پرونده کلاسه ۲۴۸۹۴ سال ۱۳۳۶ اداره امور کمیسیونهای کل بقایای مالیاتهای مستقیم در مجله تهران مصور چاپ شده است، نقل کنیم، تا خواننده صاحب‌نظر با روشن بینی بیشتری داوری کند:

صلح معوض

هفته گذشته، خبری از قول سخنگوی وزارت دارائی در جرأید معتبر بود که بزودی مالیاتهای بزرگ وصول می‌شود، منبم مثل هزاران هزار ایرانی دیگر از این خبر خوشحال شدم، گرچه تا به امروز دکتر آموزگار وزیر دارائی را ندیده‌ام و نمی‌شناسم ولی به طوریکه مریدانش می‌گویند مردی جدی، منظم و سختگیر است و به همین جهت وقتی از سرنوشت پرونده مالیاتی یکصد و پنجاه و هفت میلیون تومانی اطلاع پیدا کردم خوشحال و امیدوار شدم که: "بزودی خاطیان به اشد مجازات محکوم خواهند گردید و مطالبات حقه دولت علییه وصول و ایصال خواهد شد"، برای اطلاع خوانندگان و مالیات دهندگان خرده‌پا آنچه را که درباره این پرونده شنیده‌ام به اختصار عرض می‌کنم:

"به موجب مندرجات این پرونده (مختومه و لاک و مهر شده) در سال ۱۳۳۶ یکی از ایرانیان مقیم خارج (شوقی ربانی) مقداری از دارائی‌اش را در ایران به شخصی به نام دکتر محمدعلی ورقبا صلح می‌کند، پس از مرگ "متصالح" پیشکاری دارائی تهران با اشاره یکی از "رقبا" متن صلحنامه را به دست می‌آورد و آن را به جریان وصول می‌اندازد، یکی از میزان با شرافت و متدین دارائی - بدون اینکه تحت تأثیر قرارگیرد - یک پیش‌آگهی به مبلغ ۱۵۷ میلیون تومان برای وصول مالیات از این پرونده صادر می‌کند، پیش‌آگهی در کمیسیون بدوی پیشکاری دارائی تهران به مبلغ ۸۵ میلیون تومان تخفیف پیدا می‌کند، ولی در کمیسیون تجدید نظر،

به ریاست سلیمان خواجه نوری (باز نشسته) نماینده دارائی، و نبوی نماینده دادگستری، و یکی دو نفر دیگر، موضوع پیش آگهی بکلی منتفی می‌شود و مصالحه مذکور را مشمول پرداخت مالیات نمی‌دانند. جالب اینست که در حکم صادره کمیسیون تجدید نظر - برای نخستین بار در تاریخ تأسیس وزارت مالیه در ایران - فتوای یکی از حجج اسلام را که در شرافت و دینداری او تردیدی نیست عیناً نقل و بدان استشهاد شده است. به موجب فتوای حجت‌الاسلام و پیشوای روحانیت صلح مذکور (معوض) شناخته شده و آن را از پرداخت مالیات معاف دانسته‌اند. . . . والسلام علیکم ورحمه اله و برکاته - اسماعیل رائین " (۱)

۱ - شخصیت مورد بحث دکتر سید حسن امامی است که تحصیلات خود را در سوئیس به پایان رسانیده و از همان کشور دکترای حقوق گرفته است. وی که سمت استادی دانشگاه تهران را دارد امام جمعه تهران است. و یکبار نیز مورد سوء قصد قرار گرفته است.

پس از انتشار خبری که در بالا نقل شد انتظار می‌رفت لااقل از جانب ایشان تکذیب یا توضیحی انتشار یابد، و یا لااقل با بیان علت دادن این فتوا ذهن مریدان و دوستداران خویش و سایر مردم را روشن سازد، که متأسفانه تاکنون هیچ عکس‌العملی از ناحیه ایشان دیده نشده است، خداوند گناهان ما را ببخشد. . . .

با اینکه ادارات و روابط عمومی وزارتخانه‌ها، شرکتهای دولتی، و حتی سازمانهای ملی به کوچکترین خبری که درباره آنها در مطبوعات نوشته شود پاسخ می‌دهند و "طبق قانون مطبوعات" خواستار چاپ توضیح یا تکذیب خویش می‌شوند، و حتی در بسیاری موارد نویسنده خبر یا مسئولان نشریه

را از طرف مقامات قضائی و انتظامی تحت تعقیب قرار می دهند ، پس از اینکه خیر مالیاتی بالا و نظر نگارنده در مجله* تهران مصور چاپ شد ، هیچ گونه پاسخ یا توضیح و تکذیبی از طرف وزارت دارائی برای مجله فرستاده نشد . تنها عکس العمل انتشار خبر این بود که ؛ یکی از ناپاکترین افراد اجتماع که بیهودی الاصل است و از راههای ناگفتنی حتی دلالی محبت به سرمایه های رسیده و هم اکنون صاحب چندین کارخانه و میلیونها ثروت است ، نگارنده را مورد تهدید قرار داد" (۱)

فتوای دکتر سید حسن امامی که ملاک عمل خواجه نوری قرار گرفت بدین شرح نوشته شده بود :

" استاد دانشمند و فاضل ارجمند جناب آقای دکتر امامی امام جمعه* طهران ، دام اقباله العالی

زید تمام حقوق خود را نسبت به ماترک مورثش به مال الصلح مبلغ پانزده میلیون ریال به عمرو صلح قطعی می نماید ، در صورتیکه ارزش واقعی ماترک چندین برابر مال الصلح باشد آیا صلح مزبور را می توان به اعتبار تفاوت فاحش ارزش عوضین صلح محاباتی نامید یا خیر؟ مستدعی است نظر عالی را در اینمورد مرقوم فرمائید .

(امضاء ناخوانا)

به نظر بنده در صورتیکه مال الصلح مبلغ ناچیزی باشد ، صلح محاباتی محسوب می شود ، و چون مال الصلح در مورد سؤال ناچیز است این صلح محاباتی می باشد .

سید حسن امامی (امضاء) " (۲)

۱ - خواجه نوری ، مدیرکل مالیات بر ارث ، پس از این بخشش شاهانه باز نشسته شده به انگلستان رفت و در آن مملکت سکنی گزید .

۲ - رونوشت " صلح هموض " عینا از پرونده پیشکاری دارائی تهران برداشته شده است .

مالیات بر ارث

روز دوازدهم آبان ۱۳۳۶ که شوقی ربانی آخرین پیشوای بهائیت در لندن بلاعقب فوت کرد، از او پنج نفر بازمانده حیات داشتند که سهم الارث به آنان تعلق می‌گرفت. اینان عبارت بودند از:

حسین ربانی، دارای شناسنامه شماره ۲۷۲۲ حوزه بیروت.

ریاض ربانی، برادر ابوبینی شوقی.

روح‌انگیز افنان، خواهر ابوبینی شوقی.

مهرانگیز ربانی خواهر ابوبینی شوقی.

روحیه ربانی (ماکسول) همسر شوقی.

چون همه بازماندگان متوفی تبعه ایران بودند، لازم بود بعد از انجام تشریفات قانونی در ایران و تعیین سهم الارث هریک از آنها دارایی شوقی ربانی را بین خود تقسیم کنند و یا هر تصمیم دیگری را که لازم می‌دانستند بگیرند. ولی نامبردگان بدون انجام تشریفات و قبل از پرداخت مالیات بر ارث و تعیین پلاک و مشخصات میراث مورد صلح و پرداخت مالیات بر درآمد صلح و رعایت مواد ۳۲ و ۴۵ آئین نامه دفاتر اسناد رسمی و قسمت اخیر ماده ۲۲ قانون ثبت و ماده ۳۴۷ قانون امور حسبی، ماترک او را به موجب صلحنامه‌های شماره ۴۷۳۵۸ - ۱۳۳۶/۱۰/۲۵ و ۴۷۳۳۴ - ۲۶/۱۱/۱۶ تنظیمی در دفتر ۲۵ تهران (که گویا دفتر مذکور در اختیار محفل بهائیان تهران است) به نام دکتر علی محمد ورقا مصالحه می‌کنند و انتقال قطعی می‌دهند. دکتر علی محمد ورقا نیز بدون تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح و پرداخت مالیات بر درآمد صلح به شرکت سهامی امنا که خود در تاریخ ۳۷/۲/۱ تشکیل می‌دهد تحت شماره $\frac{۴۷۹۴۸}{۳۷/۳/۱۲}$ دفتر ۲۵ تهران مصالحه می‌نماید، و شرکت سهامی نیز بدون ذکر از املاک و اراضی و اماکن در اساسنامه خود سرمایه ۲۸۷ میلیون دلاری را طبق اساسنامه مربوطه به سه میلیون تومان نقد معرفی می‌کند، و ضمن اختفای نقل و انتقالات املاک و

اراضی و اماکن از پرداخت حق الثبت و مالیات بر درآمد خودداری می نمایند ، و بعد در تاریخ ۳۷/۷/۲۶ به وکالت منوهر قائم مقامی که یکی از شرکاء و همدستان وی بوده است با اخذ ۱۵۵۴ سهم از سرمایه شرکت اقدام به حصر وراثت می نمایند ، و دکتر علی محمد ورقا و روحیه ماکسول عبال داعی متوفی با اختفای وصیت نامه نسبت به تقسیم ماترک متوفی که در رأی صادره حصر وراثت شماره $\frac{۱۴۶۴}{۳۷/۷/۲۷}$ مندرج است ، اعتراض نمی کنند ، و شرکت سهامی امنا نیز با اغفال کارکنان ثبت و تبانی با معیزین و کارشناسان اداره دارائی و ثبت با فعل و انفعالاتی به دستیاری منوهر قائم مقامی بدون درج معاملات قطعی در اسناد مالکیت قبل و اعلام آن به اداره دارائی به تنظیم اسناد مالکیت جدید به نام شرکت سهامی امنا مبادرت می ورزند .

پس از تشکیل شرکت امنا و برداشتهای چند صد میلیون تومانی از دارائی شوقی ربانی در ایران ، امریکا و انگلستان توسط افراد زیر :
(جان فرابی ، حسن بالوزی ، ایوس کمیسون ، ایان سمیل ، چارلز ولکات ، دیوید هوفمن ، بورگالین ، هیود چانسن ، دیوید روهه ، ویلیام سیرز و یوگو جباگری) از طرف جمعی از ایرانیان که بعدا نامشان خواهد آمد ، اعتراضهایی در ایران و چند کشور دیگر علیه این اقدام بهائیان خارجی فوق الذکر و همدستان ایرانی آنها صورت گرفت .

بهائیان ایران برای اینکه املاک و دارائی - غیر منقول - شوقی ربانی را نیز به نام شرکت امنا برداشت کنند ، اقدام به انحصار وراثت کرده و منوهر قائم مقامی را در دادگستری مأمور اجرای این امر می کنند . به دنبال این اقدام آگهی انحصار وراثتی به شرح زیر در روزنامه رسمی منتشر شد :

" گواهی حصر وراثت شماره ۱۴۶۴ - ۱۳۳۷/۷/۲۷
به تاریخ ۱۳۳۷/۷/۲۶ آقای منوهر قائم مقامی به وکالت
مع الواسطه از طرف آقای حسین ربانی به شناسنامه ۲۷۲۲
حوزه بیروت دادخواست به خواسته ۶ حصر وراثت تقدیم که
به شعبه اول ارجاع به شماره ۳۷ - ۲۹۶ ثبت و توضیح داده

وقرآنساده رسمی درجه ۱ شماره ۲۵ تهران

ازدواج ۱۱۱ گواهی امضاء

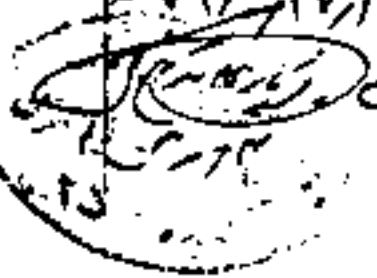
نشانی: مقابل ثبت کل - کلان ۳۳۳۰ ۴۰۲۱۱۷

روزنوشته گواهی حضور در است نکند ۱۳۴۴

۲۷/۷/۴۷

تاریخ
شماره
پوست

شماره ۱۴۹۴ - ۲۷/۷/۴۷ تا ۲۹/۷/۴۷ آبان سنه ۱۳۴۴ شمسی در کلیت مع الواسطه در طریقه آگاهی جنین و زانی
 شماره ۲۷۱۲ - حضور بیرون دادخواست بخواسته حضور در است نفعه که نسبته اذل ارجاع شماره ۲۷/۷/۴۷ ثبت
 و توجیح داده که مرحوم شوق ربانی قبا سنا به مع فسو متری ایران در سلطین در تاریخ ۱۳ آبان ۴۷ در لندن فوت شده
 در نه ادعای نسبت از سبب و ریاض ربانی برادران ابوسنی و باوره مع المیزامان و باوره المیزامان شیرازی جوهران
 ابوسنی و باوره و حبه ربانی عالی دانی شوقی میرزا انعام شرفیات حدیث و انتشار نسبت المیزامان و سبب در
 سوخته قانونی در تاریخ فوق داده و نسبت اول بختن تهران بنفیدی ایضا گفته و برادر حق سید صدر ایلیه در نه آن مرحوم بختن نامی
 موفق المیزامان بوده در نه دیگر بر نه در در آن آن مرحوم علی حلوم از احوال سقوله با ایندیه ایجا به مع عالی و بصیر
 در آن متعلق به برادر خواهر ابوسنی بطریق که هم برادر در برادر است نسیم خواسته که دادرس سید ایزاد از
 تهران - یزدان خواسته ۲۶/۷/۴۷ در ۲۹/۷/۴۷ است که در پرونده شماره ۲۷/۷/۴۷ ثبت
 اول دادگاه بختن تهران با بکار است روزیست چهار روزنوشته در پرونده



که مرحوم شوقی ربانی به شناسنامه پنج قنصلگری ایران در فلسطین در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۳۶ در لندن فوت شده ، ورثه^۴ او عبارتست از موکل و ریاض ربانی برادر ابو بینی ، و بانو روح انگیز افغان و بانو مهر انگیز ربانی خواهران ابوبینی و بانو روحیه ربانی عیال دائمی متوفی . پس از انجام تشریفات مقدماتی و انتشار سه نوبت آگهی و نبودن معترض در موعد قانونی در تاریخ فوق دادگاه شعبه^۴ اول بخش تهران به تصدی امضاء کننده زیر گواهی می دهد بر اینکه ورثه^۴ آن مرحوم منحصر به اشخاص فوق الذکر بوده ورثه^۴ دیگری ندارد و دارائی آن مرحوم یک چهارم از اموال منقوله و بهاء^۴ اینیه و اشجار سهم عیال و بقیه دارائی متعلق به برادر و خواهر ابوبینی به طریقی که سهم برادر دو برابر خواهر است تقسیم خواهد شد - دادرس شعبه اول دادگاههای بخش تهران - یزدانفر - پرونده شماره ۱ - ۳۷ - ۷۹۶ در شعبه اول دادگاه بخش تهران بایگانی است ."

پس از انجام تشریفات انحصار وراثت که در اثر اعمال نفوذ محفل بهائیان تهران به سود خودشان به اتمام رسید ، وکیل محفل بهائیان ایران دارائی شوقی ربانی را فقط هشت پلاک ملک قلمداد کرد ، و رئیس اداره مالیات بر ارث پیشکاری دارائی تهران نامه زیر را به مدیر کل پیشکاری دارائی تهران نوشت :

"وزارت دارائی - پیشکاری دارائی تهران - گواهی نامه ارث شماره ۱۱۱۵۴ تاریخ ۱۳۳۸/۷/۲۵ - ۲۴۸۹۲ ارث به استناد تبصره^۴ ماده^۴ ۱۳ قانون مالیات بر ارث و نقل یا انتقالات بلاعوض مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۳۵ گواهی می دهد که آقای منوهر قائم مقامی وکیل ارث مرحوم شوقی ربانی در

تاریخ ۱۳۳۸/۷/۱۱ اظهارنامه به این اداره تسلیم و خود را وارث آقای شوقی ربانی متوفی معرفی نموده و در اظهارنامه اموالی را که ذیلاً ذکر می‌شود صورت داده است:

۱ - ششدانگ یک قطعه زمین بمساحت ۲۵۶۳/۵۶ متر مربع پلاک شماره ۲۹۷/۴ واقع در بخش یک تهران.

۲ - ششدانگ یک قطعه باغ مشجر پلاک ۳۷۴۲ واقع در بخش سه حسن آباد تهران زیر اراضی امیرآباد.

۳ - ششدانگ یک باب خانه پلاک ۱۰۷۴ واقع در ناحیه ۶ تهران محمديه بازارچه نایب آقا.

۴ - ششدانگ یک باب خانه و حمام پلاک (۲۵۸) دویست و پنجاه و هشت واقع در بخش ۹ تهران کموی عربها کوچه جلو خان رکن الدوله.

۵ - ششدانگ یک باب عمارت مشتمل بر بیرونی و اندرونی و خلوت پلاک ۲۵۹ واقع در بخش ۹ تهران کوچه عربها.

۶ - ششدانگ یک باب خانه پلاک ۴۴۳۱ واقع در بخش ۹ تهران خیابان ناصر خسرو.

۷ - ششدانگ اعیانی یک قطعه باغچه پلاک ۴۴۳۱/۱ واقع در بخش ۹ تهران خیابان ناصر خسرو.

۸ - ششدانگ یک باب خانه پلاک ۳۴۰۷/۶ واقع در بخش ۹ تهران کوی عودلاجان خیابان بوذرجمهری.

رئیس اداره مالیات بر ارث پیشکاری دارایی تهران

در این هنگام دامنه اختلافات در بین بهائیان ایران گسترش یافته و انشعاب بزرگی میان اعضای این فرقه به وجود آمده بود تا آنجا که کار این اختلاف به "تجدید عهد" و (ثبت نام جدید) کشید و سبب شد تا اسرار دارایی شوقی ربانی که یک رقم ۲/۹۶۷/۴۳۳/۰۱۲/۴۵۴ ریالی بود فاش

شود. برای اینکه با استناد به اسناد سخن گفته باشیم از یک اعلام جرم و افشاکری که به وسیله یکی از بهائیان اخراجی به نام سرهنگ ثابت راسخ صورت گرفته است یاری می‌گیریم و عین نامه او را که روز بیست و دوم آذرماه ۱۳۴۹ تسلیم رئیس کمیسیونهای مالیات برارث پیشکاری دارائی شده و به شماره ردیف ۴۷ در پرونده کلاسه ۲۴۸۶۴ سال ۱۳۳۶ ثبت شده است نقل می‌کنیم:

”ریاست محترم اداره کمیسیونهای مالیات برارث و درآمد دولت

محترماً عطف به شماره $\frac{۲۴۴۱۵/۳۱}{۴۸/۷/۲۸}$ هروض می‌دارد

– ماترک مرحوم جناب شوقی ربانی برابر صورت ریزی

که با مشخصات کامل و مساحت طی شماره $\frac{۲۲۴۹۹/۳۱}{۴۸/۱۰/۲۰}$

تقدیم گردیده و در لف پرونده امر می‌باشد، بالغ بر

۲/۹۶۷/۴۳۳/۰۱۲/۴۵۷ ریال و ماترک مرحوم حاج

غلامرضا امین امین بالغ بر ۲/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

می‌گردد، که پرونده دومی به بایگانی سپرده شده و مرتکبین

را به حال خود گذارده‌اند، و مالیات برارث و درآمد دولت

مضمحل گردیده و می‌گردد، و با عطف توجه به محتویات

پرونده شماره ۱۱۶۹ و گواهینامه حصر وراثت ۵۷۸ – ۱۹/۶/۴

حقایق روشن می‌گردد و در مورد فقره اول با عطف توجه

به محتویات پرونده امر و گواهینامه حصر وراثت ۱۱۱۵۴ –

۳۸/۷/۲۰ هروض می‌دارد، عده‌ای کلاهدار خائن با

جمعی اجنبی سیاسی به نام (جان فرابی – حسن بافیوزی –

ایموس کمیسیون – ایان سمبل – چارلز ولکات – دیوید

هوفمن – بورگالین – هیود جانسن – دیوید روهه – ویلیام

سیرز – یوگو جیاگری) و غیره که جمیعاً خائن و از طراران و

کلاهداران بین‌المللی می‌باشند، جهت ربودن ماترک

مرحوم جناب شوقی ربانی و تهی نمودن خزینه کشور مقدس ایران با حبیب‌اله ثابت و تیمسار بازنشسته شعاع‌اله علائی و دکتر علی‌محمد ورقا و همکاران مربوطه تبانی نموده با سوء استفاده از اوضاع اخیر کشور و سکون و سکوت رجال پاکدامن و مہین پرست، کارکنان و متصدیان ثبت اسناد املاک را اغفال و با تطمیع آنان، مبادرت به تنظیم اسناد خلاف قانون کرده و کلیه اراضی و اماکن و املاک را قبل از انجام حصر وراثت و پرداخت مالیات بر ارث و درآمد دولت به قطعات مختلف تقسیم و تفکیک نموده، سند بر روی اسناد رسمی صادر و به اشخاص مختلف انتقال می‌دهند، و وجوه آن را تا تبدیل به ارز از کشور خارج می‌کنند. مدرک بلاک ۳۷۴۲ واقع در بخش ۳ تهران.

۲- در موقع تنظیم اظهار نامه به اداره دارائی، بایستی صورت ماترک متوفی را از حیث منقول و غیر منقول و وجوه نقدینه طبق مقررات و قوانین موضوعه با مدارک و رونوشت اسناد مربوطه به پیوست اظهار نامه تسلیم نمایند تا موفق به اخذ گواهینامه گردند.

با عطف توجه به محتویات (این مدارک) پیرونده امر را تحویل ننموده و موفق به اخذ گواهینامه مالیات بر ارث گردیده‌اند که در نتیجه ((۵۰۰۰/۵۰۰۰/۵۰۰۰ ریال)) پانصد میلیون تومان مالیات بر ارث و مالیات بر درآمد دولت را حیف نموده و خزینه دولت را تهی و بیت‌المال را تضعیف کرده‌اند.

۳- با توجه به محتویات پیرونده امر، پس از کشف حقیقت و اعزام کارشناس تاکنون اناشیه و وجوه نقدینه^۶ مرحوم جناب شوقی ربانی ارزیابی نشده و آقایان جان فرایی و همکاران

مربوطه با سرتمپ بازنشسته شماع‌اله علائی و حبیب‌اله ثابت و دکتر علی محمد ورقا، ضمن ملاقات وزیر ادیان اسرائیل در فلسطین، مبلغ ۳۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه نقد را که به نام جناب شوقی ربانی بوده است از بانک دریافت و بقیهٔ وجوهی که در بانکهای انگلستان و امریکا و نزد اشخاص بوده است، به همین نحو دریافت داشته‌اند، و به جیب مبارک زده‌اند، و جرائم بدین بزرگی را مقامات صلاحیتدار ندیده انگاشته . . . و قابل توجه آنکه آقای فخرزاده کارشناس محترم از شدت عجله برای خوردن حلیم به دیگ افتاده‌اند، یعنی ماترک مرحوم جناب شوقی ربانی که بالغ بر ۲/۹۶۷/۴۳۳/۰۱۲/۴۵۴ ریال می‌گردد به مبلغ ۳۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی و صورت برداری نموده‌اند، در صورتی که فقط حدیقه به پلاکهای جلالیه زیر اراضی امیرآباد به مساحت ۳۰/۰۰۰ متر مربع بسا ساختمانهای مربوطه و اشجار موجوده به ارزش ۱/۱۸۲/۷۰۰/۰۰۰ ریال می‌گردد، و با بودن وسائل نقلیه کافی از کاخ دارائی تا محل پلاکهای مذکوره چند کیلومتر بیش نبوده و می‌توانند هر آن محلهای مذکوره را بازدید و مشاهده نمایند تا حقیقت را دریابند، و محل تأسف و تعجب است که مقامات صلاحیتدار قضائی و اداری بسا چنین عطیات خیانتکارانه که کالشمس فی وسط السماء است کوچکترین اقدامی جهت جلوگیری و تعقیب مرتکبین و متخلفین ننموده و نعی نمایند، و روز بروز بر تجری و جسارت آنان می‌افزایند، و نفوس ضعیف النفس را فریب می‌دهند و از جادهٔ مستقیم و حق و حقیقت منحرف می‌سازند، بنابراین چون جریان امر و اخذ مالیات بر ارث و مالیات بردو (نوع) صلح انجام شده روشن و ساختن اسناد

تقلبی و دسیسه آنان جهت حیف و میل نمودن درآمد دولت با حق و حقوق اینجانب و همسر و بستگانم که در ماترک مرحوم جناب شوقی ربانی طبق اسناد و مدارک و قبوض سهم و شریک می باشیم بستگی دارد، لذا استدعای رسیدگی و عطف توجه به پرونده های مزبور را داشته که ضمن تعقیب کلاهداران و مأمورین ناصالح حق و حقوق درآمد دولت و اینجانب محفوظ ماند.

با تقدیم احترامات فائده - سرهنگ بازنشسته ثابت راسخ
۱ - رونوشت شرح بالا عطف به شماره ۳۰۲۳۷۹۶/۱۰ -
۹/۹/۹ به حضور شیمسار معظم ریاست بازرسی شاهنشاهی
جهت احقاق حق تقدیم می گردد.

۲ - رونوشت به حضور ریاست محترم مجلس شورای ملی
رشیداله ارکانه، پیرو شماره ۴۹/۸/۷ تقدیم می گردد."

باید مالیات بدهند

پس از رسیدگیهای بی نتیجه ای که مأموران پیشکاری دارائی تهران بر روی این پرونده کردند و اقدامها و تشبیهاتی که بهایشان در مقامهای بالای دولتی به عمل آوردند، سرانجام اداره کل فنی وزارت دارائی ماترک شوقی ربانی در ایران را مشمول "صلح محوض" فتوای امام جمعه تهران ندانسته و گزارش زیر را به مقام های وزارت داد:

جناب آقای هادوی، معاون درآمدهای مالیاتی

وزارت امور اقتصادی و دارائی

در مورد پرونده مالیات بر صلح ورثه شوقی ربانی متوفی به سال ۲۵۱۶ شاهنشاهی اختصاراً استحضار می دهد؛
پس از فوت مشارالیه آقایان حسین و ریاض و بانوان روح انگیز و مهرانگیز ربانی برادران و خواهران (وراث متوفی) کلمه

اموال موروثی خود را به موجب صلح نامه‌های شماره ۴۷۳۰۸ - ۱۳۳۶/۱۰/۲۳ و ۴۷۴۳۴ - ۱۳۳۶/۱۱/۱۶ جمعا در قبال مبلغ سیزده میلیون ریالی به صورت معوض به آقای دکتر علی محمد ورقا صلح نمود مانند که نامبرده نیز مورد صلح را عینا به همین مبلغ طی سند شماره ۴۷۹۴۸ - ۱۳۳۷/۳/۱۲ به شرکت سهامی امانا صلح کرده است.

همزمان با صلح نامه‌های اخیرالذکر، خانم روحیه ریانی همسر متوفی املاک موروثی خود را به موجب صلح نامه شماره ۴۷۹۴۹ - ۱۳۳۷/۳/۱۳ معوضا در قبال دو و نیم میلیون ریالی به شرکت نامبرده صلح نموده است. با توجه به اینکه طبق ارزیابی انجام شده ارزش مورد صلح به میزان ۵۶/۵۸۵/۹۴۶ ریالی بوده، در حالیکه مورد صلح به موجب سه فقره صلح نامه فوق‌الذکر جمعا به مبلغ پانزده میلیون و پانصد هزار ریالی واگذار شده بود، به لحاظ وجود تفاوت قابل ملاحظه ارزش عوضین، مورد از مصادیق صلح معاہتاتی شناخته شده و با عنایت به تبصره ذیل ماده ۱۷ قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض، مصوب سال ۳۵، مالیات صلح نامه‌های مزبور کلا به مبلغ ۸۲۸۸۱۲۹۶۰ ریالی که از این بابت مبلغ ۴۰۶۳۸۴۴۹۰ ریالی مربوط به صلح اول و مبلغ ۴۲۲۴۲۸۴۷۰ ریالی مربوط به صلح دوم می‌باشد که موضوع به همین مبلغ در کمیسیون حل اختلاف بدوی منجر برای شماره ۶۷۶ - ۱۳۴۹/۱۲/۶ گردیده است، و متعاقبا اثر اعتراض متصالحین پرونده در کمیسیون تجدید نظر حل اختلاف شماره ۸ مطرح، و سرانجام رأی شماره ۹۶۷ - ۵۱/۷/۳ مبنی بر رفع تعرض از متصالحین صادر شده و مستند صدور رأی بدین نحوه بودند که تفاوت فاحش بین ارزش

عوضین صلح را از صورت معوض خارج نمی‌سازد که این امر بر اساس نظر فقهائتی آیت‌الله آقای دکتر سید حسن امامی (امام جمعه تهران) استنباط شده است، لکن نظر آقای دکتر امامی بر اساس سئوالاتی غیر واقع و گمراه کننده اکتساب گردیده بود که البته پس از روشن شدن موضوع برای مشارالیه و وقوف کامل بر جریان امر از نظر قبلی خود عدول و آن را اصلاح کرده است. بر اساس ماده ۳۲۱ مکرر الحاقی به قانون مالیاتهای مستقیم اسفندماه ۲۵۳۱ موضوع در شورای عالی مالیاتی مطرح و پس از صدور رأی شماره ۶۹۸/۱۷-۵۲/۱/۲۸ به شرح دلایل مرقوم در آن، که یک نسخه ضمیمه می‌باشد، پرونده جهت رسیدگی در هیئت سه نفری موضوع ماده ۳۲۱ مکرر مزبور به دفتر کل فنی مالیاتی ارسال گردیده است. حال با توجه به اسناد و مدارکی که از طرف متصالحین پیراز تقدیم نامه شماره ۸۲۲-۱۲/۳/۱۳۳۶ عنوان جناب آقای وزیر امور اقتصادی و دارائی تسلیم دفتر فنی مالیاتی گردیده، و با عنایت به ادعای ایشان مبنی بر اینکه املاک مورد بحث از شمول صلح‌نامه‌های مورد بحث خارج است، موضوع دقیقاً مورد بررسی قرار گرفت و به طوری که ملاحظه گردید طبق مدارک ارائه شده از املاک موضوع صلح‌نامه‌های مذکور:

- ۱- ۵۴ پلاک با بیع قطعی به شرکت سهامی اماناء منتقل گردید.
- ۲- ۳۲ پلاک از طرف ورثه شوقی ربانی به فروش رفته است.
- ۳- ۳۳ پلاک از موارد صلح مزبور اقاله گردیده است.
- ۴- ۳۲۸ پلاک به موجب اسناد تکمیلی (اقرار نامه‌های تنظیمی) شرکت سهامی اماناء منتقل شده است که به نظر این دفتر املاک مندرج در بندهای ۱ و ۲ فوق‌الاسفاه چون

به صورت بیع قطعی به فروش رسیده است، در صورت احراز این مطالب که پلاکهای مورد بحث از جمله پلاکهایی هستند که مأخذ محاسبه مالیات مورد صلح مزبور قرار گرفته، طبق ارزیابی که از طرف کارشناس رسمی و تأیید دارایی روی آنها به عمل آمده، قابل کسر خواهد بود که البته این موضوع بایستی از طرف هیئت سه نفری موضوع ماده ۳۲۱ مکرر الحاقی به قانون مالیاتهای مستقیم رسیدگی و محرز گردد. لکن در مورد پلاکهای مذکور در بندهای ۲ و ۴ فوق الذکر اساساً تنظیم اسناد تکمیلی و اقاله پلاکهای مزبور اصولاً مؤثر در تعلق مالیات نقل و انتقال بلا عوض نبوده، و از این جهت پلاکهای مربوط به بندهای ۳ و ۴ این گزارش نمی‌تواند از شمول مالیات بر صلح بلاعوض خارج گردد.

حسینعلی رجائی - مدیرکل فنی مالیاتی

وزیر دارایی وقت که نه بهائی است مثل برخی از وزراء و نه متعایل به این فرقه نوظهور، هنگامی که از این کلاهبرداری بهائیان مطلع گردید، در صدد برآمد لاقلاً مبلغ ۸۲۸/۸۱۲/۹۶۰ ریال مالیات مصوبه - نه مالیات حقه ۱۷۵ میلیون تومان - را وصول کند. او هنگام تنظیم لایحه بودجه سال ۱۳۵۲ درصد برآمد ماده مخصوصی برای باز وصول این مبلغ را به تصویب مجلسین بگذراند و سپس دستور اجراء آن را بدهد:

" ماده ۳۲۱ مکرر - الف: در مورد مالیاتهایی که بعد از ۱۳۴۸/۱۲/۲۴ به مرحله قطعیت رسیده و در مراجع دیگری قابل طرح نباشد و تا تاریخ اجراء این ماده به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات از طرف مودی شکایت شده باشد، پرونده امر با موافقت وزیر دارایی برای تجدید رسیدگی به هیئتی متشکل از سه نفر به انتخاب وزیر دارایی ارجاع

خواهد شده این حکم شامل مالیات در آمد مربوط به عمل کرد ۱۳۴۶ به بعد ولو آنکه قبل از ۱۳۴۸/۱۲/۲۴ به مرحله قطعیت رسیده باشد خواهد بود ، وزیر دارائی می‌تواند برای تعیین هیئتهای موضوع این ماده از قضات و کارمندان بازنشسته دولت استفاده نماید . در صورتی که پس از تحقیقات کافی و دعوت از مؤدی برای هیئت مزبور محرز شود که به مؤدی اجحاف شده است وارد رسیدگی ماهوی شده و رأی مقتضی صادر خواهد نمود ، آراء صادره از طرف هیئت قطعی بوده و در هیچ مرجعی قابل رسیدگی مجدد نخواهد بود ، تبصره یک - شکایت موضوع بند الف این ماده در صورتی قابل رسیدگی است که مؤدی قبلاً ۵ درصد مالیات قطعی را نقدا پرداخت و دو نوبت رسید پرداخت آن را ارائه نماید ، وجوهی که اضافه بر آرای هیئت وصول شده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ تقاضای مقرری مسترد گردد .

تبصره دو - در مورد پرونده‌هایی که در مهلت مقرر ماده ۳۲۱ مذکور در تبصره این ماده به استناد این ماده قابل رسیدگی مجدد نمی‌باشد .

تبصره سه - وزیر دارائی می‌تواند ظرف یکماه از تاریخ تصویب این اصلاحیه در صورتی که شکایت مؤدی را در مورد عادلانه نبودن مالیات موجه تشخیص دهد پرونده مالیاتی آنها را که قبلاً در هیئت موضوع ۳۲۱ مورد رسیدگی و صدور رأی قرار گرفته است برای رسیدگی مجدد به هیئت موضوع این ماده ارجاع نماید .

تبصره چهار - مرجع رسیدگی به شکایت موضوع این ماده در مورد مؤدیان مشمول نظام صنفی هیئتی است مرکب از دو نفر به انتخاب وزیر دارائی و یک نفر به انتخاب اطاق

اصناف، هیئت مزبور می‌تواند ضرائب مالیاتی مربوط ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰ را در مورد پرونده مطروحه نیز تأویل نمایند، اطلاق اصناف می‌تواند نماینده اتحادیه مربوطه را برای ادای توضیحات همراه بیاورد.

تبصره پنجم - مؤدیسان مشمول قانون نظام صنفی که معادل هشتاد درصد بدهی مالیاتی خود مربوط به عملکرد هر یک از سنوات ۱۳۴۶ تا آخر ۱۳۵۰ تا آخر سال ۱۳۵۱ کلاً پرداخته باشند از پرداخت بقیه اصل بدهی و جرائم و زیان دیرکرد متعلق‌ها خواهد بود و در صورتی که ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این تبصره صد درصد بدهی جدید را پرداخت نمایند از پرداخت جرائم و زیان دیرکرد متعلق معاف خواهد بود، اجرای این تبصره موجب استرداد وجوه دریافتی نخواهد بود.

بند ب در مورد آراء قطعی کمیسیون‌های حل اختلاف که بعد از تاریخ ۱۳۴۸/۱۲/۲۴ صادر شده است، در صورتی که ظرف یکماه از تاریخ اجرای این ماده به تشخیص شورای عالی مالیاتی به علت عدم رعایت قانون حق دولت تضییع شده باشد، شورای مزبور رأی صادر شده را نقض و پرونده را برای رسیدگی و تشخیص مالیات به هیئت مذکور در این ماده ارجاع خواهد نمود. رأی صادر شده از هیئت مذکور قطعی بوده و در هیچ مرجعی قابل رسیدگی مجدد نخواهد بود. در موارد مذکور در این بند شورای عالی مالیاتی باید مؤدی را برای بیان مدافعات دعوت نماید. عدم حضور مؤدی مانع اتخاذ تصمیم نخواهد بود.

با این که ماده ۳۲۱ مکرر در بودجه سال ۱۳۵۲ برای وصول هشتاد

میلیون تومان مالیات بر ارث گنجانیده شده بود ، با این حال در اثر تشبثات و رشوه‌هایی که بهائیان دادند مأموران دارایی دهها و دهها پرونده دیگر در کمیسیونی که برای اجرای این ماده و وصول مالیات حقه دولت تشکیل شده بود ، جمع‌آوری کردند و سبب تأخیر در رسیدگی به پرونده مالیات بر ارث شوقی ربانی شدند .

با تغییر هوشنگ انصاری وزیر دارایی - بعد از آموزگار - بار دیگر اعضا کمیسیون برگزیده انتخاب و شروع به رسیدگی کردند . ولی با درگذشت "ناصر دادفرما" در پایان سال ۱۳۵۶ بار دیگر رسیدگی به پرونده مذکور معوق مانده است .

یک اظهار نظر

اکنون که به اختصار خلاصه پرونده مالیات بر ارث شوقی ربانی را بیان کردیم ، بی مناسبت نمی‌دانیم ، خلاصه نظریه پژوهشگر خانواده‌های بزرگ در ایران - ابوالفضل قاسمی - را نقل کنیم . در زندگی‌نامه (۱) دکتر سید حسن امامی امام جمعه تهران در این باره چنین می‌نویسد :

"ما همه که در این سرزمین زیست می‌کنیم از هر کیش

و نژاد و زبان باشیم مدیون به میهن و ملت خود هستیم ، کوچکترین دینی که باید آن را بدرستی انجام دهیم در برابر برخورداری از نعم گوناگون پرداخت مالیات است . آن که با کلاه شرعی و عقلی‌شانه از زیر بار پرداخت مالیات خالی می‌کند و یا با توجیهات وسیله فرار دیگران را از دیون دولتی فراهم می‌نماید هر دو خائن هستند .

۱ - کتاب زندگی‌نامه امام جمعه تهران ، با این که به چاپ رسیده است ، با این حال تاکنون منتشر نشده است .

نمی دانیم نظر جناب امام در این مورد و درباره صدور فتوا و تدارک هشتاد میلیون تومان مالیات بر ارث (شوقی افندی) چیست؟ ما از ایشان می پرسیم آیا با این پول نمی شد هشتاد مدرسه و هشتصد خانه برای مردم ساخت؟ ... (اولیگارشی دویست ساله ایران - امام جمعه تهران - ص ۹۶)

انتقال املاک، تقسیم و فروش آنها ...

با اینکه انتقال اسناد مالکیت در ایران از پنجاه سال قبل تاکنون بر طبق مقررات و موازین قانونی صورت می گیرد، ولی محفل بهائیان ایران، بدون انجام تشریفات قانونی، میلیاردها ریال ثروتی را که ارزش املاک شوقی ربانی بود، ابتدا به چند نفر و سپس به شرکت امناء منتقل کردند. در این نقل و انتقال محضر شماره ۲۵ تهران بر خلاف مواد ۳۲ و ۴۰ آیین نامه دفاتر اسناد رسمی، و نظریه شورای عالی ثبت، ضمن سازش با چند نفر، صلحنامه های ۴۷۳۰۸ - ۳۶/۱۰/۲۰ و ۴۷۴۳۴ - ۳۶/۱۱/۱۶ و ۴۷۹۴۸ - ۳۷/۳/۱۲ را تنظیم کرده و بدین ترتیب میلیاردها ریال سرمایه موجود را در اختیار شرکت مذکور قرار می دهد. همچنین کارکنان و متصدیان امور ثبت اسناد و ممیزین و کارشناسان با علم به اینکه املاک و اماکن و اراضی مزبور "اموال عمومی" به حساب می آیند، قبل از انجام مقررات ثبتی و رعایت مواد ۳۷۴ قانون امور حسبی و قسمت اخیر ماده ۲۲ قانون ثبت و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر دو (نوع) صلح و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح و تعیین سهم الارث هر یک از وراث و عمل در اوراق مالکیت قبلی، به تنظیم سند جدید مبادرت ورزیدند. ما موران ثبت حتی گورستان عمومی واقع در امیرآباد (قبرستان گلستان جاوید) را نیز که دارای پلاک ۳۷۴۲ بخش ۳ تهران بوده و به موجب نص صریح قوانین ثبتی متعلق به شهرداری تهران است به شرکت تجاری مذکور واگذار می کنند.

شهرداری تهران بعد از اطلاع از این نقل و انتقال طی نامه‌های شماره ۴۱۵۵/۲۳/۱۱۷۸ - ۴۴/۲/۱۹ و ۱۵۶۱ - ۲۳ - ۴۵/۳/۱۵ به عمل مأثوران ثبت اعتراض می‌کند. ولی محفل بهائیان تهران بدون اعتنا به قوانین ثبت و حتی اعتراض شورای عالی ثبت گورستان مذکور را به قطعات متعدد تقسیم کرده و به اشخاص مختلف می‌فروشد.

چون تصرف املاک و رقبات مختلف حتی گورستان عمومی شهر برخلاف موازین قانونی بود رئیس بخشهای ۸ و ۹ ثبت املاک تهران، علیه محضردار و کارمندان رشوه‌خواری که با بهائیان همدست شده بودند اقدام کرده و نامه زیر را به مدیر کل ثبت تهران می‌نویسند:

۳۸۹۴ - ۱۳۳۸/۱۱/۸ - اداره ثبت تهران

" نسبت به شش دانگ پلاکهای شماره ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۳۴۵۷ و ۳۴۰۱/۱ بخش ۹ تهران سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده، و بعداً به آقای شوقی ربانی انتقال قطعی داده شده است، و اخیراً به حکایت یک برگ رونوشت گواهی حصر وراثت مورخه ۳۷/۷/۲۶ صادره از شعبه اول دادگاه بخش تهران، و گواهی شماره ۱۱۱۵۴ - ۳۸/۷/۲۷ مالیات بر ارث، نامبرده فوت و ورثه او عبارت از آقایان حسین و ریاض ربانی برادران ابوبینی، و بانوان روح‌انگیز و مهرانگیز ربانی خواهران ابوبینی، و بانو روحیه عیال دائم متوفی می‌باشند، ولی قبل از اخذ گواهی حصر وراثت و مالیات بر ارث و احراز وراثت ورثه، آقایان حسین و ریاض ربانی به موجب سند رسمی شماره ۴۷۷۳۴ - ۳۶/۱۱/۱۶ دفتر ۲۵ تهران و بانوان روح‌انگیز و مهرانگیز به موجب سند رسمی شماره ۴۷۳۵۸ - ۳۶/۱۰/۲۳ دفتر مذکور کلیه سهم الارث خود را از ماترک متوفی اعم از منقول و غیر منقول

به هر اسم و رسم واقعات در سراسر کشور ایران (بدون ذکر پلاک یا مشخصات دیگر از مورد معامله) به آقای علی محمد ورقا صلح قطعی نموده‌اند، و نامبرده نیز به موجب سند رسمی شماره ۴۷۹۴۸ - ۳۷/۳/۱۲ دفتر ۲۵ مورد صلح را به شرکت امنا وگذار نموده و سهم الارث بانوروحیه ربانی را نیز وکالتاً به موجب سند رسمی ۴۷۹۴۹ - ۳۷/۳/۱۲ دفتر مذکور به شرکت مزبور واگذار نموده است، و شرکت با تسلیم اسناد مالکیت رقبات فوق‌الذکر تقاضای صدور سند مالکیت به نام خود نموده است. لذا چون تنظیم اسناد مذکور قبل از صدور گواهی حصر وراثت بوده است و برخلاف ماده ۳۲ و ۴۰ نظامنامه دفاتر اسناد رسمی می‌باشد، و انتقالات مذکور نیز در اسناد مالکیت قید نشده، مراتب گزارش، مستدعی است نظریه متخذه را جهت اقدام مقتضی به این اداره ابلاغ فرمایند.

رئیس دایره بخشهای ۸ و ۹ ثبت املاک تهران"

با وجود این نامه و اعتراض رسمی و شکایات و اعتراضات متعدد دیگر که همه حاکی از نادرستی و غیر قانونی بودن کلیه عطیات فوق‌الذکر است، محفل بهائیان تهران با اتکاء به پاره‌های مقامات مختلف مملکتی و ضمن پرداخت رشوه و تبانی با تنی چند از مأموران نادرست و رشوه‌خوار در سازمانهای اداری، موفق شد کلیه املاک و رقبات را تصاحب کرده به شرکت امنا یا چند بهائی سرشناس انتقال دهد.

صلحنامه‌ها

سه ماه بعد از فوت شوقی ربانی و قبل از اینکه تشریفات انحصار وراثت پایان یابد همسر و برادران و خواهران او که وارث متوفی بودند،

وکالتنامه‌هایی را که از جانب خود در بیروت، برون و بغداد تنظیم کرده بودند به ذکراه خادم داده و همه دارائی او را اعم از نقدینه، املاک و کلیه انبیائی که به نام آخرین پیشوای بهائیت بود، عیناً تحت اختیار او گذاشتند. ذکراه خادم نیز همه اموال و املاکی را که ورثه شوقی افندی وکالتاً در اختیارش قرار داده بودند عیناً به دکتر علیمحمد ورقا صلح کرد. مورد صلح " همگی و تمامی حقوق عینی و فرضی و حکمی و تقدیری، به هر اسم و رسم و تحت هر عنوان مستقیم یا غیر مستقیم " بود.

این صلحنامه که از نظر مقررات ثبتی نادرست است، در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ - که گویا دفترخانه مورد اعتماد بهائیان است - به این شرح به ثبت رسیده است:

" رونوشت سند صلح ۴۷۲۸ - دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ حوزه تهران - مصالح بانوان ۱ - روح انگیز افغان فرزند مرحوم میرزا هادی به شناسنامه نمره ۲۷۶۲ صادره از کنسولگری شاهنشاهی در بیروت، ساکن بیروت، ۲ - بانو مهر انگیز ربانی افغان به شناسنامه شماره ۵۵ کنسولگری شاهنشاهی در برون، فرزند مرحوم هادی ساکن بغداد، حسب الوکاله آقای ذکراه خادم فرزند مرحوم نصراله شناسنامه شماره ۵۱۶۵ بخش شش تهران، ساکن تهران، خیابان ارفع، کاشی نمره ۴۰ بر طبق وکالت مصدقه ۲۵۵ مورخه ۱۳۳۶/۱۰/۲۱ و نمره ۲۵۱ - ۱۳۳۶/۱۰/۱۷ سفارت کبرای شاهنشاهی در بیروت و نمره ۲۷۶ - ۳۶/۱۰/۱۹ کنسولگری شاهنشاهی در بغداد، مصالح آقای دکتر علیمحمد ورقا فرزند مرحوم آقای ولی‌اله ورقا به شناسنامه ۱۴۱۹، بخش ۲ تهران، ساکن تهران، خیابان فیشرآباد، منزل شخصی - مورد صلح همگی و تمامی حقوق عینی و فرضی و حکمی و تقدیری که به هر اسم و رسم و تحت هر عنوان مستقیم

یا غیر مستقیم، برای بانوان مصالح در سهم الارث موروثی و استحقاقی ایشان منقول و غیر منقول از مرحوم آقای شوقی ربانی فرزند مرحوم هادی به شناسنامه شماره ۵ کنسولگری شاهنشاهی در فلسطین ایجاد شده بوده، بدون استثناء چیزی از آن، به طوری که اینک پس از تنظیم این سند آقای دکتر علممحمد ورقا متصالح از هر جهت و هر حیث قائم مقام رسمی و قانونی و جانشین بانوان مصالح در مورد صلح می باشند، و کلیه سهم الارث بانو روحانگیز افغان و بانو مهرانگیز ربانی افغان از ماترک مرحوم آقای شوقی ربانی اعم از منقول و غیر منقول و به طور خلاصه آنچه و هر چه و هر حقی که به موجب قانون در سهم الارث اختصاصی بانوان مصالح قرار و استقرار داشته باشد، داخل در مورد صلح این سند می باشد، کلاً و من دون الاستثناء، و منتقل الیه قائم مقام رسمی و قانونی مصالحان می باشد. توضیحا تصریح می شود کلیه سهم الارث بانوان مصالح در سرتاسر کشور شاهنشاهی ایران مورد صلح این سند می باشد. مال الصلح مبلغ پنج میلیون ریال رواج مملکتی که تمام آن تسلیم وکیل مصالحان شده، حسب القرار و احتیاطاً هرگونه خیاری که ممکن است برای صیغه صلح فرض شود از طرفین اسقاط شد. بنا به مراتب بالا از این تاریخ متصالح قائم مقام رسمی و جانشین قانونی بانوان مصالح در مورد صلح شناخته می شود، و مشارالیه می تواند با مراجعه به مقامات مربوطه، کلیه اقدامات لازمه قانونی را نسبت به مورد صلح بلا استثناء و بر طبق مقررات به عمل آورد، و احتیاطاً کلیه حقوق فرضیه و متصوره بانوان مزبور در مورد صلح از هر جهت و هر بابت از آنها اسقاط و به متصالح صلح گردید. و دیگر برای

نامبردگان از هیچ بابت و هیچ جهت حقی و حقوقی باقی نمانده و مصالحان و متصالح از کمیت و کیفیت مورد صلح استحضار کامل دارند و مسئولیت انجام این صلح از هر حیث و هر جهت به عهده خود متصالحین است.

به تاریخ ۲۳ دیماه ۱۳۳۶ شمسی - مطابق ۲۲ جمادی -
الثانی ۱۳۷۷ قمری - محل امضاها "

سه ماه بعد از صدور این صلحنامه، دکتر علیمحمد ورقا همه مورد صلح را در همان دفترخانه در اختیار شرکت سهامی اماناء که انگیزه و شرح چگونگی تأسیس آن در همین کتاب گذشت قرار می‌گیرد. سند تنظیم شده در دفتر اسناد رسمی مذکور با شماره ۴۷۴۸ به شرح زیر است:

" دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ حوزه تهران - مصالح آقای دکتر علیمحمد ورقا، فرزند مرحوم آقای ولی‌اله به شناسنامه شماره ۱۴۱۹، بخش دو تهران، ساکن خیابان فیشر آباد، منزل شخصی، متصالح شرکت سهامی اماناء، ثبت شده به شماره ۶۵۸۸ ثبت داخلی شرکت‌ها، حسب (یک کلمه خوانده نشد) آقایان هادی رحمانی به شناسنامه شماره ۲۷۶۷۹ صادره اصفهان، فرزند مرحوم جعفر و تیمسار سرلشکر شعاع اله علائی فرزند مرحوم دکتر سید محمد شناسنامه شماره ۵۷۸ بخش پنج تهران، طبق آگهی شماره ۱۵۸۷ - ۱۳۳۷/۲/۲۵ مندرجه در روزنامه شماره ۳۸۶۳ - ۱۳۳۷/۲/۳۵ مورد صلح همگی و تمامی حقوق عینی و فرضی و حکمی و تقدیری که بر اساس اسناد صلح شماره ۴۷۳۵۸ - ۳۶/۱/۲۲ و ۴۷۴۳۴ - ۱۳۳۶/۱۱/۱۶ این دفتر که به هر اسم و رسم و تحت هر عنوان مستقیم و یا غیر مستقیم برای متصالح در سهم الارث موروثی و استحقاقی بانوان روح انگیز

افغان و مهرانگیز ربانی و آقایان حسین ربانی و ریاض ربانی فرزندان مرحوم میرزا هادی از منقول و غیر منقول از مرحوم آقای شوقی ربانی فرزند مرحوم هادی به شناسنامه شماره ۵ صادره کنسولگری شاهنشاهی در فلسطین ایجاد شده بود ، بدون استثناء چیزی از آن به طوری که پس از تنظیم این سند شرکت امنا از هر حیث و هر جهت قائم مقام رسمی و قانونی و جانشینی مصالح در مورد صلح می باشد از کلیه سهم الارث بانوان و آقایان نامبرده از ماترک مرحوم آقای شوقی ربانی ، اعم از منقول و غیر منقول ، و به طور خلاصه آنچه و هرچه و هر حقی که به موجب قانون در سهم الارث بانوان و آقایان فوق الذکر در کشور شاهنشاهی ایران قرار و استقرار داشته باشد ، که طبق اسناد صلح شماره های ۴۷۲۵۸ و ۴۷۴۳۴ این دفتر به مصالح صلح شده است ، داخل در مورد صلح این سند می باشد ، کلا و من دون استثناء ، منتقل الیه قائم مقام رسمی و قانونی مصالح می باشد ، مال الصلح به مبلغ سیزده میلیون ریال رواج ملکیتی که تمام آن تسلیم مصالح شده حسب القرار و احتیاطا هرگونه خیاری که ممکن است که برای صیغه صلح فرض شود از طرفین اسقاط شد ، بنا به مراتب بالا ، از این تاریخ ، متصالح قائم مقام رسمی و جانشین قانونی مصالح در مورد صلح شناخته می شود و می تواند با مراجعه به مقامات مربوطه ، کلیه اقدامات لازمه قانونی را نسبت به مورد صلح بلا استثناء بر طبق مقررات به عمل آورد ، و مزید الاحتیاط کلیه حقوق فرضیه متصوره مصالح بر اساس اسناد مذکور در مورد صلح از هر جهت و هر بابت از ایشان اسقاط و به متصالح صلح و منتقل گردید ، و دیگر برای مصالح از هیچ بابت و به هیچ جهت در مورد

صلح اسناد صلح مرقوم که کلا و من دون الاستثنا و مورد صلح این سند می باشد حقی باقی نمانده و مصالح و متصالح از کمیت و کیفیت مورد صلح استحضار کامل دارند و مسئولیت انجام این صلح از هر حیث و هر جهت به عهده خود متصالحین است. به تاریخ دوازدهم خردادماه یکهزار و سیصد و سی و هفت شمسی. مطابق سیزدهم ذی قعدة ۱۳۷۷ قمری. محل امضاء دکتر علیمحمد ورقاء، شعاع اله علائی رحمانی، با احراز هویت متعاملین تمام مراتب مسطور در این سند در نزد اینجانب واقع شد، به تاریخ متن - این سند در صفحه ۱۷۷ زیر شماره ۴۷۹۴۸ دفتر سر دفتر ثبت شده است.

محفل بهائیان تهران، برای فرار از پرداخت مالیات همه دارایی شوقی ربانی در ایران را - که به موجب مندرجات پرونده ۲۴۸۹۴ - سال ۱۳۳۶ بالغ بر ۲۸۷ میلیون دلار بوده، جزء سرمایه شرکت به حساب نیاورده و اساسنامه شرکت سهامی امنا را فقط با سرمایه نقدی پرداخت شده به ثبت رسانیده است. اینان با نفوذی که در مقامات و سازمانهای دولتی - بخصوص ثبت اسناد و دادگستری داشتند - قبل از اینکه مقررات ثبت و انحصار وراثت اجراء شود و با مالیات بر ارث و مالیات بر صلح را که جمعاً بالغ بر ۲۵۰ میلیون تومان برای آن پیش آگهی صادر شده بود بپردازند موفق شدند همه املاک را با تبانی و دستکاری محاضر به قطعات مختلف تفکیک کرده و با صدور ورقه های مالکیت جداگانه در اختیار شرکت امنا قرار دهند. نیرنگی که بهائیان برای انجام این نقل و انتقال به کار برده اند در تاریخ تشکیل ثبت اسناد در ایران کمتر نظیر داشته است. اینان برای گمراه کردن ما موران و کارشناسان مالیات بر ارث و مالیات بر درآمد، یک قطعه از املاکی را که به نام شوقی ربانی بود، بدون اشاره به سوابق امر و به نام ملاک اصلی سند

ارائه می دهند، و موقع بازدید مأمورین و کارشناسان مالیات بر ارث همین یک پلاک مجزا شده را مأخذ پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح قرار می دهند. گرچه قبل از انجام این نیرنگ اطلاعات دقیق و صحیحی به بیشکاری دارایی تهران داده شده بود، با این حال مأموران دارایی که شاید هم تطبیع شده بودند، بدون توجه به سایر دارایی های کلان بهائیت در ایران، همان سند ملک را مأخذ وصول مالیات قرار می دهند.

چون بعد از انجام این عملیات انشعاب بزرگی در بین بهائیان ایران به وجود آمده و اعلام جرمهای فراوانی نیز به شورای عالی ثبت، مقامات دادگستری و سازمانهای مربوطه دیگر شده بود، شورای عالی ثبت شکایات رسیده را مورد توجه قرار داده حکم ذیل را علیه عملیات محفل بهائیان تهران صادر می کند:

"وزارت دادگستری - ثبت کل اسناد و املاک - شماره ۵۸۴۲ - ۱۳۴۲/۴/۲۳"

اداره - ثبت تهران - بازگشت به شماره ۱۴۶۷۵ -

۲۸/۱۱/۱۹ موضوع در جلسه مورخه ۴۲/۴/۳ شورای عالی ثبت مطرح و به شرح ذیل رأی داده شد (تطبیق سند حاکی از صلح بر پلاکهای همین بدون اینکه در صلحنامه ذکر پلاک و سایر مشخصات شده باشد، چون نظر قضائی است باید به حکم دادگاه باشد مگر اینکه طرفین به تنظیم سند دیگر ذکر پلاک و سایر مشخصات با رعایت مقررات توافق نمایند، از نظر مالیات بر ارث هم نسبت به آنچه که سند مالکیت صادر نشده، ماده ۱۳ قانون اصلاح قانون مالیات بر ارث و نقل و انتقالات بلاعوض نماید رعایت شود، و آنچه که سند مالکیت صادر شده اگر مالیات بر ارث تأذیه نشده، اداره دارائی می تواند بر طبق مقررات اقدام مقتضی به عمل آورد - رئیس اداره امور املاک ثبت کل - امضاء"

982759

دو قوش... ۷۷۲... ۲۷/۱۰

Handwritten text in a ledger format with multiple columns and rows. Includes numbers like ۱۳۳۱۷, ۱۹/۲/۱۳, and various Persian script entries.

Handwritten notes and stamps in the top right corner, including a circular stamp with illegible text.

وزارت امور خارجه
مستقل سفارتخانه

کتابخانه اسناد و اطلاعیه

Handwritten numbers and scribbles: 1383, 1384, 1385

روزنامه ... شماره ...

Main body of handwritten text in Persian script, organized into several paragraphs within a rectangular border. The text is dense and appears to be a formal document or report.

Handwritten text on the left margin: ...

38555

27/11

روزنامه کیهان - شماره 124 - مورخه 27/11/1338

مستقل استناد دارد

مهر و ثبت سند و املا

بسم الله الرحمن الرحيم
 در این روزگار که هر روز شاهد رویدادهای بزرگ و کوچکیم
 و در هر لحظه با تغییرات و تحولاتی مواجهیم
 و در هر لحظه با مشکلات و چالشهایی روبرویم
 و در هر لحظه با امیدها و آرزوهای بزرگی هستیم
 و در هر لحظه با تلاشها و کوششهایی هستیم
 و در هر لحظه با پیروزیها و شکستهایی هستیم
 و در هر لحظه با افتخارها و شرمناکیهایی هستیم
 و در هر لحظه با شادیها و غمناکیهایی هستیم
 و در هر لحظه با زندگی و مرگ هستیم
 و در هر لحظه با عشق و نفرت هستیم
 و در هر لحظه با دوستی و دشمنی هستیم
 و در هر لحظه با زندگی و مرگ هستیم
 و در هر لحظه با عشق و نفرت هستیم
 و در هر لحظه با دوستی و دشمنی هستیم

www.golshan.com - شماره 124 - مورخه 27/11/1338

پس از اینکه نخستین ایراد - آنهم از طرف شورای عالی ثبت - به کار نقل و انتقال دارای شوقی ربانی و صلحنامه‌ها گرفته شد، بهائیان تهران مجبور شدند دو صلحنامه دیگر که از نظر قانونی ایرادی نداشت تنظیم نموده به مقامات دولتی تسلیم کنند. نخستین صلحنامه بدین شرح تنظیم شده بود:

"رونوشت سند صلح ۴۷۴۳۴ دفتر ۲۵ تهران - مصالح آقایان حسین ربانی دارای شناسنامه شماره ۶ دو هزار و هفتصد و بیست و دو کنسولگری شاهنشاهی در بیروت (لبنان) فرزند مرحوم میرزا هادی ساکن فعلی فلسطین، و ریاض ربانی به شناسنامه شماره ۶ یک هزار و پانصد و نوزده صادره از کنسولگری ایران در بیروت فرزند مرحوم میرزا هادی ساکن فعلی پاریس، حسب الوکاله‌های ذکراله خادم فرزند مرحوم نصراله به شناسنامه شماره ۶ پنج هزار و یکصد و شصت و پنج بخش شش تهران، ساکن خیابان ارفع، کاشی نمره ۶ چهل، بر طبق وکالت‌های مصدقه به شماره‌های ۳۲۷ - و ۳۲۸ در مورخات ۲۶/۱۱/۴ از طرف سر کنسولگری شاهنشاهی ایران در اسلامبول و شماره‌های ۲۴۳۸ و ۲۴۳۹ مورخات ۲۶/۱۱/۸ کنسولگری شاهنشاهی ایران در پاریس - متصل آقای دکتر علی محمد ورقا فرزند مرحوم آقای ولی‌اله ورقا به شناسنامه شماره ۶ ۱۴۱۹ بخش دو تهران، ساکن تهران، خیابان فیشرآباد، منزل شخصی - مورد صلح همگی و تمامی حقوقی عینی و فرضی و حکمی و تقدیری که به هر اسم و رسم و تحت هر عنوان مستقیم یا غیر مستقیم برای آقایان مصالح در سهم الارث موروثی و استحقاقی ایشان منقول و غیر منقول واقعات در کشور ایران از مرحوم آقای شوقی ربانی فرزند مرحوم هادی به شناسنامه شماره ۶ پنج کنسولگری شاهنشاهی

از فلسطین ایجاد شده بود بدون استثناء چیزی از آن به طوری که پس از تنظیم این سند آقای دکتر علی محمد ورقا متصالح از هر حیث و هر جهت قائم مقام رسمی و قانونی و جانشین آقایان مصالح در مورد صلح می باشد ، و کلیه سهم الارث آقای حسین ربانی و آقای ریاض ربانی از ماترک مرحوم آقای شوقی ربانی اعم از منقول و غیر منقول و به طور خلاصه آنچه و هرچه و هر حقی که به موجب قانون در سهم الارث اختصاصی آقایان مصالح در کشور شاهنشاهی ایران قرار و استقرار داشته باشد ، داخل در مورد صلح این سند می باشد ، کلا و من دون استثناء و منتقل الیه قائم مقام رسمی و قانونی مصالحان می باشد ، مال الصلح مبلغ هشت میلیون ریال رواج ملکیتی که تمام آن تسلیم وکیل مصالحان شد ، حسب اقرار و احتیاطا هرگونه خیاری که ممکن است برای صیغه صلح فرض شود از طرفین اسقاط شد . بنا به مراتب بالا از این تاریخ متصالح قائم مقام رسمی جانشین قانونی آقایان مصالح در مورد صلح شناخته می شود و مشار الیه می تواند با مراجعه به مقامات مربوطه کلیه اقدامات لازمه قانونی را نسبت به مورد صلح بلا استثناء و بر طبق مقررات به عمل آورد ، و احتیاطا کلیه حقوق فرضیه* متظوره* آقایان مزبور در مورد صلح از هر جهت و هر بابت از آنها اسقاط و به متصالح صلح گردید ، و دیگر برای نامبردگان از هیچ بابت و هیچ جهت حقی و حقوقی باقی نماند ، و مصالحان و متصالح از کمیت و کیفیت مورد صلح استحضار کامل دارند ، و مسئولیت انجام این صلح از هر حیث و هر جهت به عهده خود متصالحین است ، به تاریخ شانزدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و سی و شش شمسی ، مطابق پانزدهم رجب یکهزار و سیصد و هفتاد

و هفت قمری، محل اعضاء - ذکراله خادم - دکتر علی محمد
ورقا - با احراز هویت متعاملین تمام مراتب مسطورہ در این
سند در نزد این جانب واقع شد. به تاریخ متن، اعضاء
رونوشت برابر اصل است، مهر و امضاء دفتر رونوشت
برابر ثبت دفتر است - دفتر ۲۵ تهران مهر و امضاء"
۰۳۸/۱۱/۱۳

همان روزی که این صلحنامه در دفترخانه شماره ۲۵ تنظیم شده بود
صلحنامه دیگری نیز که متصالح آن شرکت امانا بود به شرح زیر در همان
دفترخانه تهیه و تنظیم شد و بدین ترتیب شرکت مذکور همه دارایی آخرین
پیشوای بهائیت را که بالغ بر ۲۸۷ میلیون دلار بود به تصرف خود
در آورد. صلحنامه دوم نیز به شرح زیر تنظیم شده بود:

"رونوشت صلحنامه ۴۷۹۴۹ - دفتر اسناد رسمی
شماره ۲۵ حوزه تهران - مصالح بانو روحیه ربانی، دختر
آقای مکسول ساکن فعلی بیروت (زوجہ مرحوم آقای شوقی
ربانی) حسب الوکاله آقای دکتر علی محمد ورقا فرزند مرحوم
آقای ولی اله ورقا به شناسنامه ۱۴۱۹ بخش ۲ تهران، ساکن
فیشر آباد، منزل شخصی به موجب وکالت نامه مصدقہ از طرف
کنسولیار دولت ایالات متحده امریکا در حیفا و کنسولیار
دولت مزبور در تهران که امضای اخیر از طرف اداره سجلات
وزارت امور خارجه شاهنشاهی ذیل ۱۴۶۵ - ۲۷/۲/۲۷
گواهی شده است - متصالح شرکت سهامی امانا ثبت شده
به شماره ۶۵۸۸ ثبت داخلی شرکتها حسب القبول آقایان
هادی رحمانی، به شناسنامه ۲۷۶۷۹ اصفهان فرزند مرحوم
جعفر، و تیسار سرلشگر شعاع اله علائی فرزند مرحوم دکتر
سید محمد، به شناسنامه ۵۷۸ بخش ۵ تهران، طبق

آگهی شماره ۱۵۸۷ - ۳۷/۲/۲۸ مندرجه در روزنامه رسمی ۳۸۶۲ - ۳۷/۲/۲ ، مورد صلح همگی و تمامی حقوق عینی و فرضی و حکمی و تقدیری که به هر اسم و رسمی و تحت هر عنوان مستقیم یا غیر مستقیم برای بانوی مصالح در سهم - الارث موروثی و استحقاقی ایشان (منقول و غیر منقول) از مرحوم آقای شوقی ربانی ، به شناسنامه شماره پنج کنسولگری شاهنشاهی در فلسطین ، فرزند مرحوم آقا میرزا هادی ، در سرتاسر کشور شاهنشاهی ایران ایجاد شده بود بدون استثناء چیزی از آن ، به طوری که پس از تنظیم این سند شرکت امضاء از هر حیث و جهت قائم مقام رسمی و قانونی مصالح در مورد صلح می باشد و کلیه سهم الارث بانوی مصالح از ماترک مرحوم آقای شوقی ربانی اعم از منقول و غیر منقول و خلاصه آنچه و هر چه که قانونا و به موجب مقررات در سهم الارث بانوی مصالح از ماترک مرحوم آقای شوقی ربانی در سرتاسر کشور شاهنشاهی ایران قرار و استقرار داشته باشد داخل در مورد صلح این سند می باشد ، کلا و من دون استثناء . و منتقل الیه در کلیه سهم الارث مصالح در سرتاسر خاک کشور شاهنشاهی ایران از ماترک مرحوم آقای شوقی ربانی قائم مقام قانونی و شرعی مصالح شناخته می شود. مال الصلح مبلغ دو میلیون و پانصد هزار ریال وجه رواج که تمام آن تسلیم مصالح حسب الاقرار و کیلها شده است و احتیاطا هرگونه خیاری که از صیغه صلح توهم و فرض شود ، از طرفین اسقاط و سلب شد .

بنا به مراتب بالا از این تاریخ متصالح قائم مقام رسمی و جانشین قانونی بانوی مصالح در مورد صلح شناخته می شود ، متصالح می تواند با مراجعه به مقامات مربوطه کلیه

اقدامات قانونی لازمه را نسبت به مورد صلح بلا استثناء و بر طبق مقررات به عمل آورد و مزیدا احتیاطا کلیه حقوق فرضیه و متصوره بانوی مصالح در مورد صلح از هر جهت و هر بابت از ایشان اسقاط و به متصالح صلح و منتقل گردید، و دیگر برای شخص خود ایشان از هیچ بابت و هیچ جهت در مورد صلح حقی باقی نماند و مصالح و متصالح از کمیت و کیفیت مورد صلح کاملا و کلا استحضار کامل دارند و مسئولیت انجام این صلح از هر حیث و هر جهت به عهده خود متصالحین است، و همچنین صحت نسبت زوجیت داعمی مصالح با متوفی مورد تصدیق و تأیید خود متصالحین می باشد. به تاریخ دوازدهم خردادماه یکهزار و سیصد و سی و هفت شمسی، مطابق سیزدهم ذیقعدہ ۱۳۷۷ قمری، محل امضاء دکتر علی محمد ورفا - شعاع اله علائی - رحمانی - با احراز هویت متعاملین تمام مراتب مسطورہ در این ورقہ در نزد این جانب واقع شد. به تاریخ متن، امضاء ... مفاد بخشنامه ده هزار در سند رعایت شد - رونوشت برابر ثبت دفتر است، دفتر ۲۵ تهران امضاء - ۳۸/۱۱/۱۳"

پیونده دیوان کشور...

قبلا گفتیم که پس از مرگ شوقی - و طبعاً بر سر تصاحب میراث او - برای نخستین بار کار اختلافات داخلی بهائیان به دادگستری و محاکم کشیده شد. اگرچه در این مبارزه مخالفان و منشعبین موفق نشدند از مجرای قانون و با دست قانون از به هدر رفتن ۲۸۷ میلیون دلار دارایی بهائیت و افتادن اموال عمومی گروه به دست افرادی خاص جلوگیری کنند. با این حال نتیجه‌ای که تلاش آنها داشت حائز اهمیت بسیار است، این نتیجه

بر ملا تمدن سوء استفاده‌ها، اعمال نفوذها و سرانجام شناساندن سیمای واقعی سران بهائی در ایران بود.

به طوری که اسناد و مدارک ارائه شده از طرف گروه مخالف نشان می‌دهد سران بهائی ایران برای حفظ و ازدیاد دارایی خود از هیچگونه اعمال نادرست و شرم‌آوری خودداری نکرده و حتی به رذالت و رشوه‌خواری و فجایع تکان دهنده دیگری دست زده‌اند.

اگر - چنانکه پاره‌ای از مورخان نیز تأکید کرده‌اند - هنگام پیدایش میرزا علی محمد باب و نخستین روزهای فعالیت بابیان این امکان وجود داشت که انگیزه این فعالیتها را نوعی (شورش) علیه دربار قاجاریه، مبارزه با خرافات و ظلم و ستم دستگاههای دولتی و مانند اینها دانست، به حکم اسناد و مدارکی که پس از بروز اختلافات فاش شد، باید گفت که امروز بهائیت در ایران به صورت وسیله درآمد است برای خیانت به ملت ایران و دکانی که گروهی معدود افراد سوء استفاده‌چی، به خاطر جمع‌آوری مال و منال بدان روی آورده‌اند، و با کمک ایادی و یاران خود به چپاول و غارت و سوء استفاده - از هرکجا که باشد - مشغولند، از ماهی و میگو خلیج فارس گرفته تا نمک دریاچه سیستان، و از آشامیدنی مردم گرفته تا کار تجارت و صنایع جوان مملکت، ساختمانها، بانکها، شهرسازی، همه و همه در دست عده معدودی از افراد فاسد این گروه است. (۱)

۱ - آقای محسن پزشکی‌پور نماینده دوره کنسولی مجلس شورای ملی، درباره یکی از نادانان مشهور بهائی که نوکر و مجری دستور شرکت امناء در ایران است، در جلسه مجلس شورای ملی و هنگام طرح و گفتگو پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۵۷ چنین می‌گوید:

"من امروز، دیدگان قلبم اشکبار است، روزهای بسیاری است که چنین است، جامعه‌ای که باید وحدت بزرگ داشته باشد، جامعه‌ای که درگیر مخاطرات شدید و وسیع بین‌المللی است، جامعه‌ای که باید مبارزه ضد -

شگفت اینکه توده‌های بهائیان که در آغاز پیدایش بایبگری، معتقد بودند و حتی برخی جانبازی می‌کردند، در حال حاضر به سان "گوسفندانی آرام" آلت دست محافل و لجنه‌های بهائیت شده و بدون توجه به گرگانی که به شبانی آنها پرداخته‌اند به آسودگی می‌چرند...

در میان این تضادها، اختلافات و رسواییها، رهبران بهائی ایران تنها حربه‌ای که در دست دارند، دامن زدن به آتش کینه‌خواهی نسبت به مسلمانان است، بدین معنی که برخلاف ادعای رهبران بابیت و بهائیت که مدعی بودند آیینی نو آورده‌اند که می‌تواند و باید جانشین همه ادیان عالم

استعمار را تا سرحد پیروزی به طور قطع ادامه بدهد، نباید امروز چنین وضعی داشته باشد... آن کسانی که بسیاری از آنها تالیهای متعددی امر مهم و بزرگ برنامه‌ریزی مملکت را به عهده داشته‌اند، ناظر به آن سیستمی است که در امر مهم مبارزه با فئودالیسم ایران، در مسیر اصلاحات ارضی، یک فئودالیسم جدید به وجود آوردند، ناظر به آن مواردی است که زمین را به روستائیان دادند، به روستائیان صاحب نسق دادند و بعد با برنامه "کشت و صنعت" از آنها گرفتند و آن وقت آن زمینها را به دست عده معدودی دادند (احسن) ناظر به این است که این زمینها را به نام ملی شدن از هزار نفر گرفتند و به یک نفر دادند (صحیح است) مراد از تقسیمات ارضی این بود که قسمت عظیمی از منابع مملکت را در اختیار عده‌ای معدود قرار دهند، این بود که وقتی شما از مشهد حرکت می‌کنید و به سمت مازندران می‌روید دو طرف جاده مدام یک تابلو همینید که نوشته مزارع فلان شخص... این نمی‌تواند عادلانه باشد، نتیجه‌اش این است که اثر می‌گذارد. نتیجه‌اش همین است که در روزنامه‌ها خواندیم که فلان کس انگشتی هشتاد میلیون تومانی در دست دارد و "بادی گارد" دارد و لابد می‌داند که به وسیله "بادی گارد" هایش هم در مواردی اقدام کرده است. شاید جناب وزیر دادگستری بدانند که چندین پرونده‌ای هم هست...

شود. اینان همه ادیان دیگر را رها کرده و کینه‌توزی خود را تنها متوجه مسلمانان ساخته‌اند، تا آنجا که در ایران و دیگر کشورهای مسلمان با کمک و همکاری یهودیان، مسیحیان و دیگر مخالفان اسلام و مسلمانی، با مسلمانان عناد و کینه می‌ورزند. طبیعی است اگر مردمان ساده دل و زودباوری که به بهائیت گرویده‌اند، یا فرزندان جوان و روشنفکر با بیان و بهائیان پیشین، بر اینگونه اعمال و مقاصد رهبران محفل بهائی ایران وقوف یابند یقیناً از آنان روی بر می‌گردانند. به همین جهت رهبران بهائی، اسلحه زنگ زده دشمنی با مسلمانان را وسیله قرار داده و به اصطلاح آنان را از "تجاوز" مسلمانان محفوظ نگاه می‌دارند، و با این حيله و نیرنگ موقعیت را مستحکم و بیروان بهائیت را مشغول و سرگرم می‌سازند.

نمونه‌ای دیگر از اعمال این گروه پرونده^۶ بسیار جالبی است که در دادگستری تشکیل شده و در دیوان عالی کشور محفوظ است. این پرونده که به شماره^۷ ۸۲ سال ۱۳۴۸ به ثبت رسیده، روشنگر حقایق بسیاری است و نشان می‌دهد که محفل بهائی ایران چه می‌کند و چگونه دارای بیت‌المال مردم و دولت را مورد حیف و میل قرار می‌دهد.

در اینجا برگ اول پرونده را عیناً نقل می‌کنیم، با این امید که مورد توجه قرار گیرد و روزی به این اوضاع رسیدگی و توجه بیشتری بشود. اینک این شما و این هم نخستین برگ پرونده^۸ دیوان عالی کشور:

" ۱۳۴۸/۲/۲۷ "

دادستان محترم دیوان عالی کشور

محترماً با توجه به اینکه جامعه^۹ بهائیان در تهران و سایر شهرستانهای ایران دارای املاک و مستغلاتی بوده‌اند که به نام جناب شوقی ربانی به ثبت رسیده و شخص مزبور در کتاب قرن بدیع نوروز ۱۵۱، قسمت چهارم، صفحه^{۱۰} ۴۹، و احصائیه^{۱۱} تطبیقی و سایر آثار و الواح خود که به منزله^{۱۲}

وصیت‌نامه است و دفاتر لجنه، املاک ملی امری بهائیان ایران تصریح نموده است که املاک و اماکن و اراضی موجوده در اقلیم ایران و سایر نقاط جهان جزو موقوفات عامه و متعلق به عموم است، و املاک و اراضی و اماکن مزبور مفصل و در کلیه نقاط ایران و جهان موجود است که مستخرجه کتاب بدیع و سه فقره رونوشت گواهی مالیات بر ارث وزارت دارایی و عین جلد چهارم کتاب بدیع و احصائیه تطبیقی برای توضیح قسمتی از آن رقیبات، با فتوکی مدارک و اسناد به ضمیمه پرونده ۱۱۹۱/۴۴ شعبه ۳ بازپرسی دادسرای تهران که با صدور قرار بی اساسی به دادگاه ۵ استان به کلاسه ۵/۱۰۸۲ فرستاده شده به عرض می‌رساند:

جناب شوقی ربانی، در تاریخ ۱۲/۸/۳۶، بدون اولاد و پدر و مادری که در قید حیات باشند در لندن به شهادت می‌رسد، و ذکرا له خادم نه (۹) و دکتر علی محمد ورقا و تیمسار بازنتسته شعاع اله علائی و علی اکبر فروتن و حبیب‌اله ثابت و هادی رحمانی شیرازی و هیئت مدیره شرکت سهامی امانا و دکتر مهدوی سر دفتر ۲۵ تهران و معیزین و کارمندان ثبت اسناد و املاک و دارایی که مشخصات آنان در پرونده‌های مربوطه مشخص و معین است، به شرکت و کالت منوهر قائم مقامی وکیل دادگستری، جهت حیف و میل نمودن ماترک متوفی به تنظیم صلحنامه‌های ۴۷۳۰۸ - ۲۶/۱۰/۲۵ و ۴۷۴۳۴ - ۳۶/۱۱/۱۶ و ۴۷۹۴۸ - ۳۷/۳/۱۲ در دفترخانه ۲۵ تهران پرداخته، و قبل از انجام انحصار وراثت و تعیین وراث قانونی و همچنین تعیین سهم الارث هر یک از وراث و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح برخلاف موازین مواد

۳۲ و ۴۵ آیین دفاثر اسناد رسمی مزورانه به دکتر علی محمد ورقا مصالحه می‌نمایند، و دکتر علی محمد ورقا نیز بدون انجام حصر وراثت و پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر صلح وراثت و تعیین پلاک و مشخصات مورد صلح و پرداخت مالیات بر درآمد صلح به شرکت سهامی امانا، که خودشان در تاریخ ۳۷/۲/۱ تشکیل می‌دهند، تحت شماره ۴۷۹۴۸ - ۳۷/۳/۱۲ دفترخانه ۲۵ تهران مصالحه می‌نماید، و شرکت سهامی امانا بدون ذکری از املاک و اراضی و اماکن در اساسنامه خود - سرمایه ۲۸۷ میلیون دلار را طبق اساسنامه مربوطه به سه میلیون تومان نقدی معرفی می‌کند، که ضمن اختفای نقل و انتقالات املاک و اراضی و اماکن از پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر دو صلح انجام یافته و مالیات بر درآمد و حق الثبت که بالغ بر یکصد میلیون تومان می‌شود خودداری می‌نماید، و بعد که مقامات اداری و قضائی مستحضر می‌شوند در تاریخ ۳۷/۷/۲۶ به وکالت منوهر قائم مقامی که یکی از کلاهبرداران بوده است با اخذ ۱۵۵۴ سهم از ۱۵۵۵۵ سهم اقدام به حصر وراثت می‌نمایند، و شرکت سهامی امانا با اغفال کارکنان ثبت و تبانی با معزین و کارشناسان اداره دارائی و ثبت با فعل و انفعالاتی به دستگیری منوهر قائم مقامی، بدون درج معاملات قطعی در اسناد مالکیت قبل و اعلام آن به اداره دارائی و اخذ مالیات بر ارث به موجب صلحنامه‌های تنظیمی اسناد مالکیت جدید، به نام شرکت سهامی امانا می‌نمایند، و شرکت سهامی امانا قبل از تعیین مالیات بر ارث و مالیات بر صلح و مالیات بر درآمد دولت اراضی و املاک را بقطعات مختلف تقسیم و تفکیک می‌نمایند، و به اشخاص انتقال می‌دهند، من جمله

یکی از این رقبات پلاک ۳۷۴۲ بخش ۳ تهران واقع در امیرآباد، بالای جلالیه، قبرستانی به نام گلستان جاوید بوده که طبق نامه‌های شماره $\frac{۴۱۵۵/۲۳/۱۱۷۸}{۲۳/۱۵۶۱}$ و $\frac{۴۲/۲/۱۹}{۴۰/۳/۱۵}$ شهرداری تهران مورد اعتراض شهرداری نیز واقع شده، معذک با فعل و انفعالاتی سند مالکیت این رقبه را بدون رعایت قوانین و مقررات ثبتی و نظریه شورای عالی ثبت به نام شرکت سهامی امانا تبدیل یافته، و شرکت مزبور آن را به قطعات مختلف تفکیک نموده و به اشخاص انتقال داده است، و با اینکه اداره ثبت و کارشناسان و مهندسين در موقع تقسیم و تفکیک پلاک ۳۷۴۱ بخش سه تهران را با وجود قبور می‌دانستند گورستان عمومی است نه باغ مشجر و می‌دانستند جنبه عمومی دارد نه خصوصی، و می‌دانستند وراث هنوز مالیات بر ارث و مالیات بر صلح انجام شده را پرداخت ننموده‌اند و برابر رأی شورای عالی ثبت که طی شماره م/۵۸۴۲ - ۴۲/۴/۲۳ ابلاغ گردیده توافق بین وراث نسبت به تقسیم ماترک حاصل نشده و مشخصات مورد صلح هریک از وراث در صلحنامه‌ها قید نشده، اقدام به صدور سند مالکیت به نام شرکت سهامی امانا می‌نمایند.

نکته جالبتر آنکه از پرداخت مالیات بر ارث و دو صلح و مالیات بر درآمد دولت و ادای حق الثبت شرکت که بالغ بر یکصد میلیون تومان می‌شود نجات یابند با دسیسه و تیبانی نسبت به نقل و انتقالات املاک در محضر و اداره ثبت مزورانه اقدام نموده و پلاکهای اصلی را قبل از انجام حضر وراثت و پرداخت مالیات بر ارث به قطعات مختلف تفکیکی تقسیم و ورقه مالکیت صادر نموده و برای انحراف مأمورین و کارشناسان مالیات بر ارث و مالیات بر درآمد

یک قطعه از سیصد قطعه را بدون اشاره به سوابق امر به نام پلاک اصلی سند صادر و دریافت می‌نمایند، و موقع بازدید مأمورین و کارشناسان مالیات بر ارث آن پلاک مجزا شده را ارائه می‌دهند که علاوه بر تقلیل مالیات بر ارث و اضمحلال نمودن نقل و انتقالات قبلی، مبالغ هنگفتی از مالیات دولت را به نفع خود تصاحب نموده‌اند، و بازپرس محترم با علم به عملیات مزورانه کلاهبرداران و با عدم توجه به مواد ۳۲ و ۴۵ آئین نامه دفاتر اسناد رسمی و ماده ۳۷۴ قانون امور حسبی، و قسمت اخیر ماده ۲۲ ثبت و نظریه شورای عالی ثبت، مراتب را بزه ندانسته مبادرت به صدور قرار منع پیگرد کلاهبرداران و خیانتکاران می‌گردد، ضمن ابطال حق و حقوق اینجانان، مبلغ یکصد میلیون تومان درآمد دولت را مضمحل و اراضی و املاک و اماکن عمومی را به یک عده کلاهبردار و خیانتکار تسلیم می‌کند.

لذا مراتب را به استحضار آن دادستان معظم رسانیده که ضمن حفظ حق و حقوق اینجانان و حقوق عمومی، نظریه عالی را نسبت به نوع بزه امر ابلاغ فرمایند که آیا می‌توان با مدارک و دلایل و اسناد فوق الذکر مواد قانون را نقض نمود و با جمله "به علت عدم وقوع بزه" کلاهبرداران را با چنین عملیات خائنانه از چنگال عدالت رهایی داد یا خیر؟
با تقدیم احترامات فائقه

محل امضاء ۴۵ نفر از فریب‌خوردگان و برگشتگان از بهائیت.

بهایان در محاکم دادگستری

پس از مرگ شوقی ربانی ، آخرین پیشوای بهائیت و اختلافاتی که بر سر تقسیم میراث او در ایران بین گروههای مختلف درگرفت ، چنانکه گفتیم برای اولین بار کار اختلاف سران بهائی به دادگستری و مراجع قانونی کشیده شد ، و همین امر سبب گردید که راز اختلافات از پرده بیرون افتد . پس از اقداماتی که از طرف افراد گروه مخالف محفل ملی بهائیان ایران ، بخصوص سرهنگ بازنشسته ثابت راسخ ، مبنی بر اعتراض به تعلق و تصاحب میراث شوقی ربانی و انتقال آن به شرکت امناء صورت گرفت ، و شکایاتی که از طرف این گروه به مراجع قضائی ایران تسلیم شد ، سران بهائیت ایران ، در صدد طرد مخالفان و در رأس آنها ثابت راسخ و همسرش برآمدند . ضمن انتشار یک بخشنامه^۶ رسمی که در مجله^۷ رسمی "اخبار امری" ، ارگان محفل ملی بهائیان ایران نیز منتشر شد ، سرهنگ بازنشسته ثابت راسخ و همسرش را از جامعه خود طرد کردند .

متن بخشنامه‌ای که طی آن افراد مذکور از جامعه بهائیت طرد شده و "هرگونه معاشرت و سلام و کلام" به آنان ممنوع شده ، به شرح زیر است :

محل مهر و علامت "محفل روحانی ملی بهائیان ایران .

تاریخ ۱۳ شهر الجمال ۱۲۳ - مطابق ۱۳۴۴/۲/۲۵

متحدالمآل نمره ۵۴۳

محفل مقدس روحانی شیداله ارکانه

ترجمه تلگراف هیئت مجله ایادی امراله در ارض

اقدس علیهم بهاءاله را به شرح ذیل :

"یداله ثابت راسخ و عیالش به علت حملات به امر ، مطرود ،
به یاران اطلاع دهید هرگونه معاشرت و سلام و کلام با او
ممنوع است ."

" ایادی امر "

اعلام می دارد ، مشخصات کامل مطرودین مزبور هم

بعدا ارسال می گردد . مقرر فرمایند مراتب را فوراً به عموم

یاران الهی در آنسامان اعلام فرمایند .

با رجاء تأیید منشی محفل .

به دنبال انتشار این بخشنامه و نشر آن در مجله اخبار امری ، سرهنگ

بازنشسته ثابت راسخ و همسرش علیه نه (۹) نفر اعضای محفل ملی بهائیان

ایران مرکب از : سرهنگ بازنشسته عباسقلی شاهقلی ، حبیب ثابت ، سرتیپ

بازنشسته هدایتاله سهراب ، بانو بهیه نادری ، مسلم نونو ، دکتر ریاض

قدیمی ، پرفسور منوچهر حکیم ، منوهر قائم مقامی ، روحی ارباب و پنج نفر

ایادی محفل به نام تیغسار بازنشسته شعاعاله علائی ، دکتر علی محمد ورقا ،

هادی رحمانی شیرازی ، علی اکبر فروتن و میش شارب به اتهام ایراد تهمت

و افترا ، به مقامات قضائی کشور شکایت کردند .

در مقابل، سران بهائیت ایران نیز سرهنگ ثابت راسخ را متهم به خیانت در امانت و سوء استفاده از مهر مخصوص و کاغذهای مارکدار محفل نموده و مدعی شدند که سرهنگ راسخ و دیگر یارانش باید به این اتهامات تحت تعقیب قرار گیرند.

در نتیجه پرونده‌ای در این زمینه تشکیل شد و سرهنگ ثابت راسخ به عنوان "دادخواه" و سرهنگ شاهقلی و دیگران به عنوان "داد خوانده" به محکمه فرا خوانده شدند. اما بازپرس و دادیار دادرسی تهران، با استناد به اینکه تهمت و افترا، در یک نشریه^۶ خصوصی بوده و نه در جراید معتبر و کثیر الانتشار، و همچنین به این دلیل که اختلافات خصوصی و مربوط به پیروان عقیده^۶ خاصی است، شکایت سرهنگ ثابت راسخ را وارد ندانسته و قرار منع تعقیب کیفری صادر می‌کند.

متن این رأی که در پرونده^۶ شماره ۱۱۹۱ - جزوه دان ۴۴ - ۳ و به تاریخ ۴۷/۱۲/۱۵ به ثبت رسیده، به این شرح است:

ریاست محترم دادگستری تهران

سرکار سرهنگ بازنشسته بداله ثابت راسخ و همسرش بانو محترم ثابت راسخ متظلمند که نه نفر اعضاء محفل ملی بهائیان ایران، به نام سرکار سرهنگ بازنشسته عباسقلی شاهقلی، حبیب ثابت، تیمسار بازنشسته هدایت‌اله سهراب، بانو بیه نادری، مسلم نونو، دکتر ریاض قدیمی، پرفسور منوچهر حکیم، منوهر قائم مقامی، روحی ارباب و چهار نفر ایادی محفل به نام تیمسار بازنشسته شعاع اله علائی، دکتر علی محمد ورقا، هادی رحمانی شیرازی و علی اکبر فروتن (و بعد نام آقا و خانم شارب را هم اضافه کرده) به آنان تهمت و افترا زدند، به این عنوان که در مجله اخبار امری محفل روحانی بهائیان ایران در شماره^۶ ۲ و ۳ سال ۱۳۴۴

— ۱۵۵ با ذکر عباراتی به شرح ذیل :

طرد یداله ثابت راسخ — هیئت مجلله ایادی امراله
در ارض اقدس علیهم بهاء اله ، یداله ثابت راسخ و عیالش
به علت حملات به امر مطرود ، به یاران اطلاع دارید ،
هرگونه معاشرت و سلام و کلام با او ممنوع است .
ایادی امر .

تهران — محفل روحانی ملی بهائیان ایران — تاریخ
شهر النور ۱۲۲ محفل مقدس روحانی شیداله ارکانه — در
مورد ناقضین عهد و میثاق که سوء استفاده از اوراق رسمی
آن محفل مقدس نموده و مهر و مبارک آن هیئت مجلله را
جعل کرده و مکاتیبی مجعول صادر نموده و جهت افراد
یاران عزیز الهی ارسال داشته و مزاحمت آنانرا مرتباً فراهم
می سازد و مراتب به ساحت اقدس بیت العدل اعظم الهی
شیداله ارکانه معرض گردید . قسمتی از اوامر مطاع مبارک
عیناً نقل می گردد . "اعمال ناهنجار ناقضین میثاق الهی
در جعل مهر و سرلوحه کاغذهای محفل روحانی تهران و
صدور مزورانه مکاتیبی مجعول از قبل آن محفل ، جمله یداله
ثابت راسخ به خادم ممتاز و ممتحن و غیور امراله جناب
رحمانی علیه بهاء اله واصل و باعث تحمیر و تأثر گردید .
این نفوس رذیله شریره چون در امراله رخنه نتوانند و از
القاء شبهت نتیجه نگیرند ، البته به وسائل غیر مرضیه و و
الخ . . . آمده است ، به آنان نسبتهای کذب و ناروا و
همچنین اسناد جعل مهر و مبارک نامه های مربوط به محفل
بهائیان تهران داده اند .

شکایت دیگر نامبردگان این است که قریب یک میلیون
تومان طلب نامبردگان از اموال شرکت سهامی امنا است که

۸۴
۱۳۸۲/۱۲/۱۰

کلاس: پرونده ۱۰۸۲/۱۲ - ۱۳۸۲

تاریخ رسیدگی: بیست و هشتم خردادماه ۱۳۸۸

موضوع رسیدگی: نعیبه بنجم دادگاه استان کرمان

هیئت: ادریان - آقایان جواد خرمی و سید علی حسینی - دکتر محمد غاوری مستشار

موضوع رسیدگی: اعتراض به قرار منع تعقیب و قرار موقوفی تعقیب

جریان کار: آقای سرمدنگ بازداشت بدوالت ثابت راسخ و همسر ایشان بانو مستقیم ثابت راسخ در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰

۱۳۸۲/۱۲/۱۰ در این خصوص بهمان خاطر شده و در تعقیب شکوائیه ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ تصریح کرده اند که شکایت

ایشان اریابت اعتراض جعل و غیره است که از طرف محفل بهائی ها با آنها نسبت داده شده است ولی در جریان

رسیدگی و تحقیقات قضایی و کتبی شکایت سرشان را چنین عنوان کرده اند که اولاً نسبت به آنها هیچ حقیقت

یافتی نشده است بدین ترتیب که محفل بهائی ها لغات را طرد روحانی کرده و باران خود را از معاصرت و سلام

و کلام با آنان ممنوع کرده اند - ثانیاً محفل بهائی ها با آنان نسبت جعل و غیره داده است و بدین وسیله

مرتکب بزه اعتراض شده اند - ثالثاً در خصوص حرکت سیاسی آنها که شکایت مرتکب بوده اند با آنان خیانت

در قیامت داده است - رابعاً در خصوص حرکت سیاسی آنها که شکایت مرتکب بوده اند و مخصوص بهائی های ایران بوده است

مرتکب جرائم مختلفی شده از قبیل تپائی با ماسکین دولت برای اربابین بودن با لایحه دولت و جعل و تصرف

و کلاهبرداری و تنظیم اسناد مزورانه و نقل و انتقال املاک و ماشین صوری قبل از حصر و زنا و غیره بدین ترتیب

در خصوص انتقال را حقیقت و جعل کرده و ضرر بهائی نگردی و لغات با آن خود رسانده اند - آقایان پاریس مستقیم

۱۳۸۲/۱۲/۱۰ - ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ آقای پاریس مستقیم قضایی حقیقت شده است

و سر رسیدگی بتاريخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ قرار بهائی صادر کرده اند که مورد موافقت آقایان دادگاه است

و قرار موقوفی تعقیب با آنها و نشر اکاذیب در خصوص اتهام آنها کلمه ای از موضوع شکایت یعنی سرهنگ -

با رتبه ها اصلی نامحلفان جعلی توهین قرار موقوفی تعقیب صادر کرده اند و در خصوص سایر متهمین جعلی نقد

در این کلیه موارد منع تعقیب صادر کرده اند - نسبت به اینکه در زمانه مورد ادعای شکایت چنین معنی ندارد

و تاکی خصوصاً در مورد نامبرود از جهت خیانت در امانت و انتقال مال غیر جعلی عدم وقوع بزه قرار منع تعقیب

کبری صادر کرده اند نگاه آقای پاریس مستقیم ثابت راسخ نسبت به قرار اعتراض کرده اند و مرتکب بزه های

جعلی نسبت به پرونده کرده است و لذا این بزه به دادگاه استان کرمان ارسال و شماره پرونده ۱۳۸۲/۱۲/۱۰ ثبت

و این نعیبه اعتراض کلاس ۱۰۸۲/۱۲ ثبت گردیده است اینک دادگاه پیش بالا تشکیل شده و پرونده

کتاب نظر قرار صادر پس از استماع گزارش شکایت آقای دکتر محمد غاوری مستقیم و اظهارات متهمین و مشاوره

با هیئت محترم قضایی تصمیم گرفته می شود

رأی دادگاه: - آنچه مورد تصمیم آقای پاریس مستقیم داد سرای قهرمان در قرار بود اعتراض قرار گرفته و

تاریخ: ۱۳۸۲/۱۲/۱۰

۴۲
۲



جاویدان

پرونده

۱۳۷۳

دو نوشت

۸۰۰

۱۳۷۳

در این ماده که مطرح است اولاً موضوع افتراء و ضمناً انحراف و تضییع است در اطمینان و انتقال طرز فرستادن
 اربابیت افتراء و ضمناً انحراف و تضییع است چون اربابیت در رویه و انحراف سرهنگه بارندسته است معنی ناشدنی میباشد و مشارکت
 نیت شده لذا قرار اتای بازرسی در این خصوص خالی از اشکال بوده و تأیید میگردد سایر متهمین در این
 مورد چون انحراف ای که اربابان صادر شده باشد مطهر نیست و در این مورد دیگری از ناحیه شکات ابراز نشده
 لذا در این خصوص قرار اتای بازرسی منتهیجا خالی از اشکال بوده و تأیید میگردد و اما اربابیت خلیات
 در اطمینان و انتقال طرز فرستادن به نتیجه اربابیت پیوسته و ضمناً انحراف در مراجع تحقیق میسر میماند نوشته شکات
 اتای بدانه تأیید واضح و همسرایان در اولین تکذیبیه در پیوندشان که بشماره ۲۶۵۹۲ - ۱۳۷۳/۵/۱۱ در روز
 داد سرای تهران ثبت شده است مطهر بر اینکه اربابیت چون شرکت میماند انحراف حق و حقیقت مسلم اینچنان
 را انکار نموده و بیجهت تنهیم داده است به مراجع حقوقی و خدمت وجه تسمیه و اربابیت چنانچه در متن
 و سایر متهمین است پیوسته و موضوع انحراف حقوقی تشخیص میگردد و چون ظاهر آنکه جلیه کفتری است علیهذا
 قرار اتای بازرسی در این خصوص منتهیجا خالی از اشکال بوده و ضمن رد اعتراضات شکات خصوصاً قرار
 مرتبر تأیید میشود این رأی فیوقطی و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تا قبل از اتمام مهلتی مقرر در رد و در بیان
 اربابیت کفتری میباشد

[Handwritten signatures and stamps]

رئیس هیئت مدیره
 مدیر عامل
 مدیر امور حقوقی
 مدیر امور مالی
 مدیر امور اداری

شماره پرونده: ۱۳۷۳/۵/۱۱

سرمایه آن باید صرف خیرات و میرات شود، ولی متصدیان شرکت و مدیران محفل آنرا به نفع خود تصاحب و استفاده می‌کنند و به هر حال حاضر به استرداد یک میلیون تومان سهم او نیستند. و سپس وکیل‌های ثابت راسخ در مهیت خود وی اعلام داشتند که کلیه اموال بهائیان چه در ایران و چه در سایر ممالک را افراد جامعه به عنوان صرف در امور خیریه به مرحوم شوقی ربانی داده‌اند و ایشان نیز در کتاب قرن بدیع، از صفحهٔ چهل به بعد، که تعیین تکلیف راجع به اموال و املاک موجود در ایران است، صریحا در وصیت خود وقفیت و عمومی بودن اموال را ذکر نموده، ولی بعد از فوت او در سال ۱۳۳۶ چون وارث درجه اول نداشته، با اخذ گواهی حصر وراثت به نام عیال و خواهران و برادران مشارالیه، نامبردگان بدون هیچگونه مجوز اموال و املاک مذکور را به دکتر علی محمد ورقا انتقال داده‌اند و مقداری از سرمایه جامعه بهائیان را برای فرار از پرداخت مالیات اعلام ننمودند، و بقیه را نیز به نام عده‌ای که اسامی آنان در پیرونده موجود است، معرفی و ثبت داده‌اند و بدین وسیله مرتکب انتقال مال غیر و کلاهبرداری شده‌اند که به شرح ذیل اظهار نظر می‌شود:

۱- در خصوص افترا و نشر اکاذیب چون کلیه متحد - المالها مندرج در اخبار امری به امضاء سرهنگ بازنشسته عباسقلی شاهقلی است و مشارالیه نیز حسب اظهارات آقای ثابت راسخ فوت کرده قرار موقوفی تعقیب صادر می‌گردد. و اتهامی که به سایر اشخاص مندرج در فوق در این خصوص نسبت داده شده، صرف نظر از اینکه موضوع مربوط به یک سلسله اختلافاتی است که بین صاحبان عقیدهٔ فوق الذکر

بروز کرده و در نشریات عمومی هم منعکس نشده، تا نشر اکاذیب مصداق داشته باشد و از حیث جعل مهر و سر لوحه کاغذهای محفل بهائیان نیز صرفنظر از جهات فوق الذکر دلیلی که نامبردگان چنین نسبتی بر خلاف واقع داده باشند، موجود نیست، زیرا در اخبار امری فقط تلگرافهای محفل روحانی بهائیان جهان چاپ شده و اثری از اینکه اشخاص فوق الذکر اسناد جعلی به شکایت داده باشند، موجود نیست و به علت فقد دلیل کافی قرار منع تعقیب کیفری صادر می‌گردد.

در خصوص خیانت در امانت مورد ادعای شکات با توجه به اساسنامه شرکت اماناء که رونوشتی از آن ضمیمه پرونده است و ملاحظه برگ انحصار وراثت وارث مرحوم شوقی ربانی و سایر مندرجات پرونده دلیلی به اینکه شکات در سرمایه شرکت و اموال مورد وصیت مرحوم مذکور سهیم بوده‌اند، موجود نیست و سستی از حیث شاکی خصوصی ندارند، و با توجه به توضیحات منشی فعلی محفل و مدیر عامل شرکت اماناء از حیث خیانت در امانت و انتقال مال غیر به علت عدم وقوع بزه قرار منع تعقیب کیفری صادر می‌گردد. بازپرس دادسرای تهران.

نتیجتاً با قرار صادره موافقت می‌شود، با ذکر حق اعتراض و مهلت مقرر قانونی ابلاغ می‌شود.

۱۶/۱۲/۱۳۴۷ دادیار دادسرای تهران - نمازی

شکایت مجدد و اعتراض به قرار

به دنبال صدور این حکم، یعنی قرار منع تعقیب، مخالفان سران محفل بهائی ایران و در رأس آنها سرهنگ بازنشسته ثابت راسخ و همسرش

ساکت ننشسته و ضمن اعتراض به قرار صادره، با استناد به موارد زیر:

- ۱ - هتک حیثیت و آبروی ایشان از طرف محفل بهائیان ایران.
 - ۲ - ارتکاب بزه افترا و تهمت، با عنوان کردن جعل و تزویر و استفاده از مهر محفل.
 - ۳ - خیانت در امانت، در زمینه تقسیم میراث شوقی ربانی و سهمی که وی و همسرش در سرمایه شرکت امناء داشته‌اند.
 - ۴ - تبانی با مأمورین دولت برای از بین بردن مالیات بر ارث و نقل و انتقال غیر قانونی املاک و اموال شوقی ربانی.
- علیه محفل بهائیان ایران شکایت کرده، دعوای تازه‌ای را آغاز کردند، در نتیجه پرونده^۶ دیگری با شماره ۱۰۸۲/۴۷ - ۱۵۵۹۷ تشکیل شد که به تاریخ بیست و ششم خردادماه ۱۳۴۸، در شعبه^۶ پنجم دادگاه استان مرکز، مورد رسیدگی قرار گرفت.

هیئت دادرسان مرکب بودند از آقایان جواد حریر فروش رئیس، و دکتر محمد خاور مستشار، و موضوع رسیدگی "اعتراض به قرار منع تعقیب و قرار موقوفی تعقیب" بود، که جریان واقعه را به نقل از متن صورت مجلس تنظیم شده و رأی مجدد دادگاه که در حقیقت تأیید رأی دادگاه قبلی است، در زیر می‌آوریم:

جریان کار - آقای سرهنگ بازنشسته بداله ثابت راسخ و همسر ایشان بانو محترم ثابت راسخ در تاریخ ۴۴/۳/۱۲ در شعبه^۶ دوم بازپرسی تهران حاضر شده و در تعقیب شکوائیه ۴۴/۴/۲۵ تصریح کرده‌اند که شکایت آنها از بابت افتراء جعل و غیره است که از طرف محفل بهائیها به آنها نسبت داده شده است، ولی در جریان رسیدگی و توضیحات بعدی و لوائح شکایت خودشان را چنین عنوان کرده‌اند که:

اولا نسبت به آنها هتک حیثیت و آبرو شده است،

بدین ترتیب که محفل بهائیه آنان را طرد روحانی کرده و یاران خود را از معاشرت و سلام و کلام با آنان ممنوع کرده‌اند.

ثانیا محفل بهائیه با آنان نسبت جعل و تزویر و غیره داده است و بدین وسیله مرتکب بزه افتراء شده‌اند.

ثالثا در خصوص شرکت سهامی اماناء که شکات شریک بوده‌اند به آنان خیانت در امانت شده است.

رابعا در خصوص ماترک شوقی افندی که وقف بوده و مخصوص بهائیه‌های ایران بوده است، مرتکب جرائم مختلفی شده از قبیل تهانی با مأمورین دولت برای از بین بردن مالیات دولت و جعل و تزویر و کلاهبرداری و تنظیم اسناد مزورانه و نقل و انتقال املاک و اماکن عمومی قبل از حصر وراثت و غیره و بدین ترتیب وجوه بیت‌المال را حیف و میل کرده و به مصرف جهانگردی و تفریحات یاران خود رسانده‌اند. آقای بازپرس شعبه ۲ اقداماتی به عمل آورده، سپس از تاریخ ۱۵/۱۰/۴۴ آقای بازپرس شعبه سوم متصدی تحقیقات شده‌اند و پس از رسیدگی به تاریخ ۱۵/۱۲/۴۷ قرار نهائی صادر کرده‌اند، که مورد موافقت آقای دادیار واقع شده است، در قرار مزبور نسبت به افتراء و نشر اکاذیب در خصوص اتهام امضاء کنندة اوراق موضوع شکایت یعنی سرهنگ بازنشسته عباسقلی شاهقلی به علت فوت قرار موقوفی تعقیب صادر کرده‌اند و در خصوص سایر متهمین به علت فقد دلیل کافی قرار منع تعقیب صادر کرده‌اند - و نسبت به خیانت در امانت مورد ادعای شکات چون سعتی ندارد و شاکی خصوصی محسوب نمی‌شوند، از حیث خیانت در امانت و انتقال مال غیر به علت عدم وقوع بزه قرار منع تعقیب کیفری صادر

کرده‌اند. شکات آقای یداله و بانو محترم ثابت راسخ نسبت به قرار اعتراض کرده‌اند و هریک لایحه‌ای مفصل ضمیمه پرونده کرده است. و لذا پرونده به دادگاه استان مرکز ارسال و به شماره ۱۵۵۹۲-۴۷/۱۲/۱۹ ثبت و به این شعبه ارجاع و به کلاس ۵-۴۷-۱۵۸۲ ثبت گردیده است. اینک دادگاه به شرح بالا تشکیل، و پرونده^۱ مزبور تحت نظر قرار دارد. پس از استماع گزارش شفاهی آقای دکتر محمد خاور (۱) عضو محقق و مطالعه^۲ اوراق پرونده و مشاوره^۳ کافی تصمیم گرفته می‌شود:

رای دادگاه - آنچه مورد تصمیم آقای بازپرس شعبه^۴ دوم دادسرای تهران در قرار مورد اعتراض قرار گرفته و در این دادگاه مطرح است اولاً موضوع افتراء و نشر اکاذیب و ثانیاً خیانت در امانت و انتقال مال غیر می‌باشد. از بابت افتراء و نشر اکاذیب چون اوراق مدرکیه به امضاء سرهنگ بازنشسته عباسقلی شاهقلی می‌باشد و مشارالیه فوت شده لذا قرار آقای بازپرس در این خصوص خالی از اشکال بوده و تأیید می‌گردد. سایر متهمین در این مورد چون نشریه‌ای که از آنان صادر شده باشد ملحوظ نیست و دلیل دیگری از ناحیه^۵ شکات ابراز نشده، لذا در این خصوص نیز قرار آقای بازپرس نتیجتاً خالی از اشکال بوده و تأیید می‌گردد. و اما از بابت

۱- دکتر محمد خاور، یکی از قضات پاکدامن و با سواد دادگستری و محاکم قضائی ایران بود که به علت احترام گذاشتن و پایبندی به نظر و رای خود، مجبور گردید تقاضای تقاعد بنماید. دکتر خاور به زبانهای انگلیسی، عربی و فرانسه تسلط کامل دارد و چند کتاب نیز تألیف کرده است.

خیانت در امانت و انتقال مال غیر با توجه به اوراق پرونده و اظهارات شکات در مراجع تحقیق مخصوصاً نوشته شکات آقای یداله ثابت راسخ و همسر ایشان در اولین شکوائیه خودشان که به شماره ۲۶۵۹۲ - ۴۴/۵/۱۱ در دفتر دادسرای تهران ثبت شده است، مبنی بر اینکه (در ثانی چون شرکت سهامی امناء حق و حقوق مسلم اینجانبان را انکار نموده و جهت تقدیم دادخواست به مراجع حقوقی و تقدیم وجه تعبر برای اینجانبان مقدور نیست. . .) و سایر محتویات پرونده موضوع اختلاف حقوقی تشخیص می‌گردد، و چون ظاهراً فاقد جنبه کیفری است، علیهذا قرار آقای بازپرس در این خصوص نیز نتیجتاً خالی از اشکال بوده و ضمن رد اعتراضات شکات خصوصی قرار مزبور تأیید می‌شود. این رأی غیرقطعی و ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل فرجام - خواهی و طرح در دیوان عالی کشور می‌باشد.

این بود نمونه‌ای از کشمکش این فرقه، در محاکم قضائی، که ما آن را بیشتر از این جهت آوردیم که اختلافهای مهم آنان معلوم گردد، اختلافاتی که بیشتر حاکی است از فرقه‌بازی و حيله‌انگیزی و سود پرستی، با کمترین مایه‌ای از اموری که مربوط است به عقیده‌ای یا فکری یا امثال آن.

در آخرین روزهایی که این اثر به چاپ می‌رسید، روزنامه‌ها نوشتند که آقای هژبر یزدانی نماینده محفل بهائیان ایران دستگیر و زندانی شده است.

روزنامه اطلاعات روز پنجشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۵۲ چنین می‌نویسد:

هژبر یزدانی می‌خواست ۲۰ میلیارد ریال در امریکای جنوبی سرمایه‌گذاری کند.

با توجه به تأدیه مبلغ یکصد و شصت میلیون تومان قرار وثیقه صادره از طرف بازپرس برای هژبر یزدانی از طرف وکیل مدافع وی، بعلت وجود پرونده‌های مختلف علیه هژبر در دادرهای کشور، با آزادی او از زندان موافقت نشد.

هژبر یزدانی دیشب دومین شب بازداشت خود را در زندان کاخ دادگستری گذراند.

پس از انتشار خبر زندانی شدن هژبر یزدانی به اتهام تصرف غیر - قانونی چهارصد هکتار زمینهای دولتی در یزد که پرونده آن به شماره ۹۵۶ - ۱۳ - ۳۷ دادگاه بخش مستقل اردستان ثبت است، بنظر می‌رسد شکایات دیگری نیز توسط افراد و یا مؤسسه‌ای که بشکلی مورد تجاوز هژبر یزدانی قرار گرفته‌اند مطرح شود. آخر وقت روز گذشته بازپرس شعبه ۱۴ دادر اسناد و وثیقه‌هایی را که برای آزادی هژبر ارائه شد معتبر تشخیص نداد.

هژبر یزدانی در یک خانه "سوپر مدرن" که مجهز به سیستم‌های ایمنی الکترونیکی می‌باشد، زندگی می‌کرد.

این خانه قبلاً به حسین شرافت مدیر عامل بانک بیمه بازرگانان تعلق داشت که پس از ورشکست شدن بانک، هژبر این خانه را به قیمت ارزان از شرافت خریداری کرد.

هژبر یزدانی علاوه بر سرمایه‌گذاریهای داخلی، به میزان وسیعی در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کرده است که میتوان از سرمایه‌گذاریهای وی در استرالیا برای تولید گوسفند نام برد.

یکی از مهمترین پرونده‌هایی که در دادسرای تهران توسط امیر فرشچی بازپرس شعبه چهارم بازپرسی دادسرا در دست رسیدگی است پرونده شکایت جهانبخش‌انتهاری علیه هژبر یزدانی است که بخاطر اختلافی که بین هژبر و جهانبخش بوجود آمد بدستور هژبر ایادی وی جهانبخش را بشدت مضروب کردند که نزدیک به دو سال است، در حال اغماء بسر میبرد و با تمام تلاشی که از طرف پزشکان انجام گرفته است بهبودی در حال وی مشاهده نمی‌شود، علت مضروب شدن جهانبخش در حقیقت مخالفت وی با شهادت دروغ علیه یک مقام بانکی و همچنین مخالفت وی با خروج یک سرمایه عظیم توسط هژبر یزدانی از ایران بود.

در تماسی که یکی از نزدیکان جهانبخش‌انتهاری با روزنامه اطلاعات گرفت اعلام کرد که هژبر قصد داشت معادل دو هزار میلیون تومان بطور غیر قانونی از ایران خارج کرده و در امریکای جنوبی سرمایه‌گذاری کند و برای این موضوع از جهانبخش خواست تا ترتیب کارها را بدهد، اما جهانبخش با توجه به غیر قانونی بودن عمل هژبر از این کار سر باز زد و چند روز بعد افراد گارد هژبر جهانبخش را بشدت مضروب کردند.

در گفتگویی که زهرا عراقی همسر جهانبخش با خبرنگار روزنامه اطلاعات بعمل آورد وی اسرار تازه‌ای را از اعمال هژبر برای روزنامه فاش کرد، همسر جهانبخش‌انتهاری در این گفتگوی اختصاصی گفت:

شب نوزدهم اسفندماه ۲۵۳۴ بود که شوهرم توسط شش نفر از مزدوران هژبر یزدانی به شدت کتک خورد. آن شب شوهرم مستخدم خانه را برای معالجه به بیمارستان می‌برد که مورد حمله افراد هژبر که در یک پیکان شیری رنگ نشسته بودند قرار گرفت، آنها به تصور اینکه شوهرم در مقابله با آنها کشته شده است او را در حالیکه بشدت آسیب دیده بود در کنار خیابان

انداختند و فرار کردند ولی چون جهانبخش از لحاظ بدنی قوی بود جان سالم بدر برد ولی نزدیک دو سال و نیم است که بستری و در حال بیهوشی است.

همسر انهاری اضافه کرد: علت حمله مزدوران هزبر به شوهرم مخالفتی بود که در مورد رفتن به آمریکای جنوبی کرد. هزبر میخواست جهانبخش با ۵۰ میلیون تومان به امریکای جنوبی برود و مقدمات سرمایه‌گذاری او را با ۲۰۰۰ میلیون تومان در آنجا فراهم کند. چون این کار غیر قانونی بود شوهرم موافقت نکرد و آخرین شب در خانه ما، هزبر با اسلحه شوهرم را تهدید کرد ولی او مقاومت نمود. هزبر گفت تو وزن و بچه‌هایت را میدهم بکشند.

همسر جهانبخش انهاری همچنین گفت: هزبر می‌خواست از بانک صادرات ۵۰ میلیون تومان اعتبار بگیرد ولی چون به بانک ۲۷۴ میلیون تومان بدهکار بود به او ندادند و از همین موقع تصمیم به خرید سهام در این بانک را گرفت. بعلاوه هزبر با مذاکراتی که با بانکهای فرانسه کرده بود میخواست از چند بانک فرانسوی وام‌های بزرگ بگیرد تا نقشه خود را برای سرمایه‌گذاری در امریکای جنوبی فراهم کند.

هزبر به شوهرم گفته بود می‌خواهد در ایران هرج و مرج اقتصادی راه بیندازد و با قدرت مالی که دارد هر دستگاه و سازمانی را که می‌خواهد فلج کند. سرمایه‌گذاری در امریکای جنوبی را هم به این منظور می‌خواست که اگر در ایران با شکست روبرو شد به آنجا فرار کند.

همسر انهاری به مسئله وام از بانک ملی اشاره کرد و گفت: هزبر از شوهرم خواست تا با کمک شخصی بنام عباس سرافرازی از بانک ملی وام بگیرد و وقتی از سوی بانک موافقت نشد از شوهرم خواست که علیه مقامات بانک به اتهام درخواست رشوه شهادت بدهد و امتناع شوهرم از اینکار موجب مضروب کردن او شد.

شماره ثبت دفتر کتابخانه، ملی ۲۰۴۵ مورخ ۵۷/۷/۲

مؤسسه تحقیقی رانس

جناب آقای پستی ۱۶۱۲ - ۱۱

برای آیدی